

درآمدنامه زکات

WWW.Ketab.ir

دکتر یوسف قرضاوی
عبدالصمد مرتضوی



نشر نادوی



قرضاوی، یوسف، ۱۹۲۶ م.
فقه الزکاه: دراسه مقارنه الاحکامها و فلسفتها ضوء القرآن والسنة.
فارسی
دانشنامه‌ی زکات: (ترجمه فارسی فقه الزکاه) پایان نامه‌ی دکتری... /
یوسف القرضاوی: عبدالصمد مرتضوی.
تهران: نشر احسان، ۱۳۹۲.
ج. ۲ ص

شابک دوره: ISBN: 978-964-356-880-1

شابک جلد اول: ISBN: 978-964-356-881-8

فیبا

موضوع: زکات.

موضوع: زکات - احادیث.

موضوع: اسلام و اقتصاد.

شماره اثر: مرتضوی، عبدالصمد، ۱۳۵۹ - مترجم

دوره: شماره ۱۳۹۲ ۷۰۲۱ ق/۳ BP۱۸۸/۳

دیویدی ۲۹۷/۳۵۶

شماره کتابخانه ملی ۲۷۰۷۵۲۶

دانشنامه‌ی زکات

- + مؤلف: دکتر یوسف قرضاوی
- + مترجم: عبدالصمد مرتضوی
- + ناشر: نشر احسان
- + صفحه‌آرا: مریم مقدم سلیمی
- + چاپخانه: مهارت
- + تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
- + نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲
- + قیمت دو جلد: ۶۵۰۰۰ تومان
- + شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۸۸۰-۱
- + شابک جلد اول: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۸۸۱-۸



فروشگاه:

تهران، خ انقلاب، روبروی دانشگاه.

مجتمع فروزنده، شماره ۴۶

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۴

فهرست

۱۹	مقدمه مترجم
۲۱	مقدمه
۲۸	اهداف و روش تحقیق:
۲۹	روش تحقیق: ملاحظه آن
۲۹	۱- تعیین منابع علمی
۳۰	۲- تفکیک مباحث و سرتب و سرتب و سرتب: مصلها:
۳۲	۳- مقایسه و تطبیق:
۳۳	۴- علت یابی و بیان فلسفه‌ی احکام:
۳۳	۵- شفاف‌سازی و ترجیح راجح:
۳۶	اصول کلی تحقیق جهت انتخاب، ترجیح و استناد:
۳۶	۱- عمل به عموم نص مادامی که تخصیص نیافته باشد:
۳۸	۲- احترام به اجماع یقینی:
۴۱	۳- اعمال قیاس صحیح:
۴۳	۴- توجه به مقاصد و مصالح شرعی:
۴۵	خلاصه:
۴۹	سبک و اسلوب تحقیق:
۵۱	مفهوم زکات و صدقه
۵۱	زکات در لغت و اصطلاح شرعی:
۵۴	مفهوم صدقه:
۵۶	زکات در قرآن:

فصل اول..... ۵۹

مقدمه..... ۶۱

موقعیت فقرا در تمدنهای پیشین:..... ۶۱

پاسداری از حقوق فقرا در ادیان مختلف:..... ۶۳

پاسداری از حقوق فقرا در ادیان آسمانی:..... ۶۳

تذکراتی پیرامون موضعگیری ادیان مختلف در قبال مسأله‌ی فقر:..... ۶۷

وجه اسلام به فقرزدایی:..... ۶۹

منابع اسلام به فقرا از همان آغاز (عهد مکی):..... ۶۹

اطعام مساکین از ضروریات ایمان:..... ۶۹

غیبه مساکین به اطعام و مراعات مساکین:..... ۷۱

حقوق محرومان، مساکین، متکدیان و مسافرین (در راه مانده):..... ۷۴

حقوق تعیین شده برای نیازمندان) در محصولات زراعی:..... ۷۵

حکم زکات در محله..... ۷۶

وجوب کلی و مطلق زکات در همه جا..... ۸۰

زکات در مدینه (و پس از هجرت)..... ۸۱

تصریح به وجوب زکات و بیان آن از احکام در مدینه:..... ۸۱

زکات (و احکام آن) در سوره‌ی توبه..... یکی از سوره‌های مدنی قرآن:..... ۸۲

تبیین آیات اجمالی قرآن با سنت نبوی..... ۹۱

تعیین نصابها و مقادیر زکات در سنت نبوی..... ۹۱

فرض شدن زکات پس از روزه‌ی رمضان:..... ۹۳

زکات سومین رکن اسلام:..... ۹۴

اخطار شدید به آنان که زکات نمی‌دهند:..... ۹۷

عذاب دردناک آخرت:..... ۹۸

مجازات مانعین زکات در دنیا:..... ۹۹

مجازات‌های قانونی (حکومتی) برای مانعین زکات:..... ۱۰۰

نبرد علیه مانعین زکات:..... ۱۰۱

زکات از فرامین و ضروریات دینی:..... ۱۰۷

منکر زکات کافر است:..... ۱۰۸

مقایسه‌ی زکات اسلامی با زکات در سایر ادیان:..... ۱۰۹

ردی بر ادعاهای «شاخت» پیرامون زکات:..... ۱۱۱

۱۱۷.....	فصل دوم.....
۱۱۹.....	عدم وجوب زکات بر غیرمسلمان:.....
۱۲۱.....	فلسفه‌ی عدم وجوب زکات بر غیرمسلمانان:.....
۱۲۲.....	حکم گرفتن زکات از غیرمسلمانان تحت عنوان «مالیات»:.....
۱۲۹.....	حکم زکات در اموال کودکان و دیوانگان:.....
۱۲۹.....	قائلین به عدم وجوب زکات در اموال کودکان و دیوانگان:.....
۱۳۲.....	قائلین به وجوب زکات در اموال کودکان و دیوانگان:.....
۱۳۶.....	نایسه و نتیجه‌گیری:.....
۱۳۹.....	نقدی بر براهین ارائه شده توسط قائلین به عدم وجوب زکات در مال کودک و مجنون:.....
۱۴۱.....	پایان بخش اول.....
۱۴۷.....	فصل سوم.....
۱۴۷.....	(تعیین) مقدار زکات واجب بر مسلمانان.....
۱۴۹.....	اموالی که زکات در آن واجب است و تعیین مقدار زکات واجب در آن‌ها:.....
۱۵۰.....	بخش اول: اموالی که زکات در آن واجب است:.....
۱۵۱.....	مفهوم «مال» در لغت و اصطلاح شرعی.....
۱۵۳.....	شرایطی که باید یک مال دارا باشد تا بر آن واجب گردد:.....
۱۵۴.....	۱- ملک تام بودن:.....
۱۶۸.....	۲- قابلیت رشد (نماء):.....
۱۸۰.....	۳- رسیدن به حد نصاب:.....
۱۸۲.....	۴- مازاد بودن بر نیازهای ضروری (اصلی):.....
۱۸۷.....	۵- مقروض نبودن:.....
۱۹۵.....	۶- گذشتن یک سال کامل:.....
۲۰۱.....	بخش دوم: زکات ثروتهای حیوانی:.....
۲۰۳.....	۱: شروط کلی لازم برای زکات چهارپایان.....
۲۰۳.....	۱-۱: رسیدن به حد نصاب.....
۲۰۳.....	۱-۲: گذشتن یک سال کامل بر آن.....
۲۰۴.....	۱-۳: سائمه بودن:.....
۲۰۶.....	۱-۴: اینکه به منظور انجام کارهای کشاورزی و غیره نگهداری نمی‌شده باشد:.....
۲۰۸.....	۲: زکات شتر:.....

- ۲۱۸..... اختلاف فقها پیرامون نصابهای بیشتر از ۱۲۰ شتر و دلیل آن:
- ۲۱۹..... بررسی دیدگاه حنفیه پیرامون موضوع مذکور:.....
- ۲۲۳..... مذهب طبری:.....
- ۲۲۳..... تحلیلی پیرامون تفاوت‌های اندکی که میان نوشته‌های مذکور وجود دارد:.....
- ۲۲۵..... زکات گاو:.....
- ۲۲۷..... نصاب گاو و آنچه در آن به‌عنوان زکات واجب می‌گردد:.....
- ۲۲۸..... حداقل نصاب در گاو ۳۰ رأس است:.....
- ۲۳۱..... دیدگاه طبری:.....
- ۲۳۲..... دیدگاه ابن‌مسیب و زهری:.....
- ۲۳۶..... نتیجه‌گیری:.....
- ۲۳۸..... با زیاد شدن مسلمانان نسبت زکات در آن‌ها کاهش می‌یابد:.....
- ۲۴۰..... حکم زکات چهارمین کوچک:.....
- ۲۴۲..... ویژگیهای چهارمیانی به‌عنوان زکات داده می‌شوند:.....
- ۲۴۴..... تأثیر درهم آمیختن در کابلهای میان:.....
- ۲۵۴..... زکات اسب:.....
- ۲۵۹..... حکم زکات در اسبهای تجاری:.....
- ۲۵۹..... حکم زکات در اسبهای علوفه (غیر سائمه):.....
- ۲۵۹..... حکم زکات در اسبهای سائمه‌ای که به‌منظور تولید مثل نگهداری می‌شوند:.....
- ۲۶۰..... ادله‌ی جمهور مبنی بر عدم وجوب زکات در اسب:.....
- ۲۶۱..... دلایل امام ابوحنیفه مبنی بر وجوب زکات در اسب:.....
- ۲۶۴..... میزان نصاب و مقدار زکات اسب نزد ابوحنیفه:.....
- ۲۶۵..... نتیجه‌گیری:.....
- ۲۷۰..... حکم زکات در سایر حیوانات سائمه:.....
- ۲۷۳..... اصول کلی که از این فصل می‌توان نتیجه گرفت:.....
- ۲۷۶..... بخش سوم: زکات طلا و نقره:.....
- ۲۷۷..... زکات پولها:.....
- ۲۷۷..... مقدمه:.....
- ۲۷۷..... پولهای متداول در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله:.....

- ۲۷۸ دلایل وجوب زکات در پولها:
- ۲۸۰ حکمت وجوب زکات در پولها:
- ۲۸۲ مقدار زکات واجب در پولها:
- ۲۸۲ افزایش یا عدم افزایش مقدار زکات طلا و نقره در عصر حاضر:
- ۲۸۴ نصاب پولها:
- ۲۸۹ بررسی یک شبهه و رد آن:
- ۲۹۰ مقدار شرعی درهم و دینار:
- ۲۹۹ خطایی شایع میان معاصرین:
- ۳۰۰ تعیین نصاب در عصر حاضر:
- ۳۰۲ تعیین نصاب برای ثابت برای نصاب در پولها:
- ۳۰۳ تعیین نصاب نقد (با سایر نصابها):
- ۳۰۳ تعیین نصاب نقد با نصاب نصاب محصولات زراعی و میوه‌ها:
- ۳۰۴ تعیین نصاب نقد با نصاب نصاب حیوانی:
- ۳۰۶ معیار مطلوب در نصاب (پولها):
- ۳۰۷ پولهای کاغذی و انواع آن:
- ۳۰۸ زکات پولهای کاغذی:
- ۳۱۵ شرایط وجوب زکات در پولها (نقد):
- ۳۲۱ ۲: زکات زیورآلات و اشیاء و ظروف طلائی یا نقره‌ای:
- ۳۲۱ به ظروف و اشیای ساخته شده از طلا و نقره زکات تعلق می‌گیرد:
- ۳۲۲ به زیورآلاتی که مردان به حرام استفاده می‌کنند زکات تعلق نمی‌گیرد:
- ۳۲۳ مروراید و سایر جواهری که زنان استفاده می‌کنند زکات ندارد:
- ۳۲۴ اختلاف فقها پیرامون زیورآلات طلائی یا نقره‌ای که زنان استفاده می‌کنند:
- ۳۲۵ قائلین به وجوب زکات در زیورآلات:
- ۳۲۶ دلایل مطرح شده برای این فتوا عبارتند از:
- ۳۲۸ قائلین به عدم وجوب زکات در زیورآلات:
- ۳۳۲ بررسی و نتیجه‌گیری:
- ۳۳۹ ردی بر دلایل مطرح شده مبنی بر وجوب زکات در زیورآلات:
- ۳۴۸ به زیورآلاتی که (چون گنج) اندوخته می‌شود زکات تعلق می‌گیرد:
- ۳۴۹ به زیورآلاتی که بیش از حد معمول باشد زکات تعلق می‌گیرد:

- ۳۵۲ خلاصه‌ی مطالب:
- ۳۵۴ بخش چهارم: زکات دارایی‌های تجاری
- ۳۵۷ ۱: دلایل وجوب زکات در کالاهای تجاری
- ۳۵۷ ۱-۱: دلایلی از قرآن:
- ۳۵۹ ۲-۱: دلایلی از احادیث نبوی:
- ۳۶۱ ۳-۱: اجماع صحابه، تابعین و علمای سلف در این موضوع:
- ۳۶۳ ۴-۱: قیاس و مشابَهت
- ۳۶۶ ۱: شبهات مخالفین
- ۳۶۶ ۱-۲: دیدگاه ظاهریه پیرامون کالاهای تجاری:
- ۳۷۰ ۲-۲: مالک و اندیشه‌ی امامیه:
- ۳۷۱ ۳: نثر و روایات (مال التجارة):
- ۳۷۷ ۴: چگونگی دادن زکات در اموال تجاری:
- ۳۷۸ ۴-۱: وجه تسمیه مدیر تاجر و تاجر محتکر از منظر امام مالک:
- ۳۸۱ ۴-۲: عدم تعلق زکات به کالاهای ثابت:
- ۳۸۱ ۴-۳: چگونگی ارزیابی قیمت کالاهای تجاری:
- ۳۸۲ ۴-۴: دادن زکات توسط تاجر به قیمت کالا:
- ۳۸۵ بخش پنجم: زکات محصولات زراعی:
- ۳۸۹ ۱: دلایل وجوب زکات در محصولات زراعی و میوه‌ها:
- ۳۸۹ ۱-۱: قرآن:
- ۳۹۳ ۲-۱: سنت:
- ۳۹۴ ۳-۱: اجماع:
- ۳۹۵ ۲: محصولات زراعی که زکات در آن‌ها واجب است:
- ۳۹۵ ۲-۱: ابن عمر رضی الله عنهما و گروهی دیگر از علمای سلف فتوا به وجوب زکات در آن‌ها می‌دهند:
- ۳۹۵ چهارگانه داده‌اند:
- ۳۹۶ ۲-۲: امامان مالک و شافعی حکم به وجوب زکات در تمامی قوت‌هایی که قابل
- ۳۹۶ ذخیره‌سازی است صادر کرده‌اند:
- ۳-۲: در مذهب احمد به آنچه قابل خشک کردن، ذخیره‌سازی و گیل کردن است
- ۳۹۹ زکات تعلق می‌گیرد:
- ۴۰۰ ۲-۴: در مذهب ابوحنیفه به هر آنچه از زمین می‌روید زکات تعلق می‌گیرد:

- ۴۰۲..... بررسی و نتیجه گیری:.....
- ۴۰۸..... ۳: نصاب زکات در محصولات زراعی و میوه‌ها:.....
- ۴۰۹..... بررسی و نتیجه گیری:.....
- ۴۱۱..... نصاب حبوبات و میوه‌ها:.....
- ۴۱۱..... تعیین مقدار صاع:.....
- ۴۱۲..... اختلاف نظر اهل حجاز و عراق در مورد صاع:.....
- ۴۱۲..... دلیل فقهای عراق:.....
- ۴۱۲..... دلیل فقهای حجاز:.....
- ۴۱۴..... آیا امکان جمع میان این دو قول وجود دارد؟.....
- ۴۱۷..... نصاب حبوبات و میوه‌ها با معیارهای نوین در عصر حاضر:.....
- ۴۱۹..... نصاب محصولات که کیلی نیستند:.....
- ۴۲۲..... زمان ارزیابی محصول در مورد ملائحه قرار دادن نصاب:.....
- ۴۲۳..... ۴: مقدار زکات و تفاوت آن (عشر و نیم‌عشر):.....
- ۴۲۷..... ۵: اندازه گیری تخمینی مقدار نصاب:.....
- ۴۳۰..... زمان تخمین زدن مقدار محصولات:.....
- ۴۳۰..... اشتباه تخمین زنده:.....
- ۴۳۲..... تخمین زدن سایر محصولات غیر از غله و خرمه:.....
- ۴۳۳..... ۶: آنچه برای صاحبان محصولات زراعی و میوه‌ها باید دانست:.....
- ۴۳۹..... ۷: کسر بدهی‌ها و هزینه‌ها و دادن زکات از باقیمانده:.....
- ۴۴۶..... ۸: زکات زمین اجاره‌ای.....
- ۴۴۶..... ۸-۱: حکم زکات در زمینی که مالک، خود به کاشت آن پرداخته است.....
- ۴۴۶..... ۸-۲: حکم زکات در زمینهای عاریتی:.....
- ۴۴۶..... ۸-۳: حکم زکات در محصولات شراکتی:.....
- ۴۴۷..... ۸-۴: زکات در زمین استیجاری:.....
- ۴۴۷..... مذهب ابوحنیفه:.....
- ۴۴۸..... مذهب جمهور:.....
- ۴۴۸..... سبب اختلاف:.....
- ۴۵۴..... ۹: عشر و خراج:.....
- ۴۵۴..... زمین عُشری:.....

- ۴۵۵..... انواع زمینهای خراجی و منشأ آن:
- ۴۵۹..... خرید و فروش زمینهای خراجی:
- ۴۶۱..... خراج همیشگی است:
- ۴۶۲..... اجتماع عشر و خراج:
- ۴۶۲..... مذهب حنفی و دلایل آن‌ها:
- ۴۶۴..... مذهب جمهور فقها:
- ۴۶۸..... برداشتن و سوا کردن خراج از محصول و زکات دادن از باقیمانده‌ی آن:
- ۴۶۸..... آیا امروزه نیز زمین خراجی وجود دارد؟:
- ۴۶۹..... فوازی از اظهار نظرهای معاصرین پیرامون جمع میان عشر و خراج:
- ۴۷۱..... بخشش شش ماهه عسل و فرآورده‌های حیوانی:
- ۴۷۲..... عسل و فرآورده‌های حیوانی یا عدم وجوب زکات در عسل:
- ۴۷۲..... فائده به وجوب زکات در عسل:
- ۴۷۳..... دلایل وجوب زکات در عسل:
- ۴۷۶..... دلایل قائلین به عدم وجوب زکات در عسل:
- ۴۷۹..... ۲: مقدار زکات واجب در عسل:
- ۴۸۰..... ۳: نصاب عسل:
- ۴۸۲..... ۴: فرآورده‌های حیوانی چون ابریشم و لبنیات و غیره:
- ۴۸۵..... بخش هفتم: زکات دارایی‌های حاصل از زمین و دریا:
- ۴۸۶..... مقدمه: بررسی معنا و مفهوم «معدن»، «کنز» و «برز»:
- ۴۸۸..... ۱: گنجهای نهفته و احکام مربوط به آن:
- ۴۹۲..... ۲: معدن و وجوب حقی در آن:
- ۴۹۲..... در آن چه از معدن استخراج می‌شود حقی است واجب:
- ۴۹۳..... معادنی که این حق از آن‌ها اخذ می‌گردد:
- ۴۹۵..... ۳: مقدار حق واجب در معدن:
- ۴۹۷..... دلایل قائلین به وجوب ربع عشر ($\frac{1}{4}$) در معدن:
- ۴۹۷..... دلایل قائلین به وجوب خمس در معدن:
- ۵۰۳..... ۴: نصاب و زمان اعتبار آن در معدن:
- ۵۰۴..... زمان اعتبار نصاب در معدن:
- ۵۰۶..... ۵: شرط (حولان حول) یا گذشتن سال بر معدن:

- ۶: مصارف آن چه از معدن اخذ می‌شود: ۵۰۸
- ۷: اشیای قیمتی و سایر چیزهای برگرفته شده از دریا: ۵۰۹
- حکم زکات در مورد ماهی: ۵۱۲
- بخش هشتم: زکات مستغلات شامل ساختمانها و کارخانه‌ها و مانند آن: ۵۱۴
- ۱: زکات «مستغلات» از دیدگاه محدوداندیشان و آنانی که دارای وسعت‌نظرند: ۵۱۵
- دیدگاه محدوداندیشان پیرامون وجوب زکات: ۵۱۶
- وجوب زکات از دیدگاه آنان که دارای وسعت‌نظرند: ۵۱۷
- نقد و بررسی ادله‌ی مطرح شده توسط محدوداندیشان در وجوب زکات: ۵۱۹
- ۲: چه گنجینه‌ی کار: دادن از کارخانه‌ها و ساختمان‌ها و مانند آن: ۵۲۳
- دیدگاه اول: ۵۲۴
- دیدگاه دوم: ۵۳۲
- ۳: نصاب زکات مستغلات و غیره: ۵۴۲
- مدت زمان اعتبار نصاب: ۵۴۲
- کسر هزینه‌ها و دیون از اموال: ۵۴۳
- اختصاص بخشی اندک از درآمدها به بیرون‌سازهای زندگی: ۵۴۴
- بخش نهم: زکات درآمدهای حاصل از شغلها و فعالیت‌های شخصی: ۵۴۶
- ۱: بررسی حکم فقهی درآمدهای حاصل از شغلها و فعالیت‌های فردی: ۵۴۸
- حقوق ماهیانه و کارمزدها، مال مستفاد محسوب می‌شود: ۵۴۹
- بررسی اقوال و ایده‌های مختلف پیرامون «مال مستفاد»: ۵۵۰
- ضعف احادیث مذکور پیرامون حَوْل (گذشتن سال): ۵۵۱
- احادیث مربوط به مال مستفاد: ۵۵۶
- اختلاف‌نظر صحابه و تابعین و اندیشمندان پس از آنان در مورد مال مستفاد: ۵۵۷
- اقوال و آرای صحابه و تابعین پیرامون «مال مستفاد»: ۵۵۹
- اختلاف‌نظر مذاهب چهارگانه پیرامون «مال مستفاد»: ۵۶۴
- قول راجح: هنگام دست یافتن به مال مستفاد باید زکات آن پرداخت شود: ۵۶۵
- فتوای معاصر: ۵۷۱
- ۲: نصاب دستمزدها و درآمدهای حاصل از شغلها آزاد: ۵۷۵
- چه‌گونگی زکات دادن از مال مستفاد: ۵۷۸
- زکات از خالص درآمدها و حقوق: ۵۸۰

- ۵۸۲ ۳: مقدار زکات واجب در درآمدهای کاری (شغلی) و غیره:
- ۵۸۵ بخش دهم: زکات سهام و اوراق قرضه:
- ۵۸۵ تفاوت میان سهام و اوراق قرضه:
- ۵۸۷ چه گونه‌گی زکات دادن از سهام شرکتهای مختلف:
- ۵۸۷ دیدگاه اول:
- ۵۹۱ دیدگاه دوم: به حساب آوردن سهام از جمله‌ی کالاهای تجاری:
- ۵۹۳ مقایسه و نتیجه‌گیری:
- ۵۹۴ تجارت کردن با چهار یا بیان سائمه و چه گونه‌گی زکات دادن از آن‌ها:
- ۵۹۸ خرید مؤلف پیرامون زکات سهام:
- ۶۰۱ حکم سهام شرکتهای مختلف:
- ۶۰۲ زکات سهام شرکتها:
- ۶۰۳ زکات سهامها:
- ۶۰۳ زکات مستغنیان:
- ۶۰۴ زکات دستمزدها، حقوق و تقویر سهام درآمدهای حاصل از شغلهای آزاد و غیره:
- ۶۰۵ حکم زکات در دیون سرمایه‌گذاران جهت بهره‌وری:
- ۶۰۵ اوراق قرضه و سپرده‌های ربوی ممال حرام و سود آن‌ها:
- ۶۰۷ فصل چهارم
- ۶۰۹ موارد مصرف زکات:
- ۶۰۹ مقدمه:
- ۶۱۰ توجه قرآن به موارد مصرف زکات:
- ۶۱۱ راز عنایت قرآن به موارد مصرف زکات:
- ۶۱۳ بخش اول: فقرا و مساکین
- ۶۱۳ آشنایی با فقیر و مسکین:
- ۶۱۶ فقیر و مسکین از دیدگاه حنفیه:
- ۶۱۷ فقیر و مسکین از دیدگاه ائمه‌ی ثلاثه:
- ۶۱۹ سهم فقرا و مساکین به اغتیا داده نمی‌شود:
- ۶۲۰ غنایی که مانع اخذ زکات است:
- ۶۲۰ دیدگاه سفیان ثوری و غیره:
- ۶۲۲ دیدگاه حنفیه:

- دیدگاه امامان؛ مالک و شافعی و احمد حنبل: ۶۲۵
- فقیر توانمند که توانایی کسب و کار را دارد: ۶۲۸
- کسانی که «عبادت کردن» را شغل خویش قرار داده‌اند از زکات محروم‌اند: ۶۳۲
- جایز بودن زکات برای کسانی که تمام وقت به تحصیل دانش اشتغال دارند: ۶۳۲
- فقرایی که بیش از سایرین مستحق یاری و مساعدت هستند: ۶۳۳
- سهم فقرا و مساکین از اموال زکات: ۶۳۵
- الف: برآوردن نیازهای تمامی عمر فقیر یا مسکین: ۶۳۶
- دادن زکات به مقداری که شخص فقیر به کلی بی‌نیاز شود: ۶۴۰
- ب: برآوردن نیاز یک سال مسکین یا فقیر: ۶۴۱
- از دوا و دارو جمله‌ی نیازهای ضروری است: ۶۴۲
- تعیین حدود مشخص برای مقدار زکات توسط برخی از فقها: ۶۴۷
- دیدگاه امام نزاری: ۶۴۷
- دیدگاه امام ابوحنیفه از متخصصین اسلامی در امور مالی: ۶۵۰
- سطح یک زندگی در خیر و از دست دادن: ۶۵۱
- مورد حمایت قرار دادن فقیر به صورت عمومی و نظام‌مند: ۶۵۳
- بخش دوم: کارگزاران (و متولیان امور زکات): ۶۵۶
- مسئولیت حاکم اسلامی در ارسال جمع‌آوری کنندگان زکات: ۶۵۷
- وظایف و مسئولیت‌های دستگاه اداری و مالی زکات: ۶۵۷
- دستگاه اداری زکات: ۶۵۷
- ۱: اداره‌ی جمع‌آوری زکات: ۶۵۸
- ۲: اداره‌ی توزیع زکات: ۶۵۸
- شناسایی کسانی که واقعاً مستحق زکات هستند: ۶۶۱
- شرایطی که متولیان امور زکات بایستی دارا باشند: ۶۶۴
- میزان حقوق یا دستمزد متولیان امور زکات: ۶۷۰
- حساسیت شدید رسول اکرم ﷺ در مورد اموال زکات: ۶۷۱
- هدیه دادن به کارمندان در حکم رشوه است: ۶۷۳
- رهنمودهای رسول اکرم ﷺ به مأموران جمع‌آوری زکات: ۶۷۴
- ۱: منارا کردن با صاحبان اموال: ۶۷۴
- ۲: دعا کردن برای صاحبان اموال: ۶۷۵

- قیاس کارکنان یا دست‌اندرکارانی که در جهت منافع مسلمین کار می‌کنند به متولیان امور
 ۶۷۵ زکات:
- ۶۷۷ بخش سوم: مؤلفه قلوبهم:
- ۶۷۷ اقسام مؤلفه قلوبهم:
- ۶۸۲ «سهم مؤلفه قلوبهم» پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:
- ۶۸۵ حکم مربوط به «مؤلفه قلوبهم» منسوخ نشده است:
- ۶۹۲ دلگرم کردن و مأنوس کردن افراد به اسلام، نیازی است که همچنان باقی است:
- ۶۹۵ نصمیم‌گیری در مورد حقوق «مؤلفه قلوبهم» بر عهده‌ی ولی امر مسلمین است:
- ۶۹۶ موارد مصرف سهم مؤلفه قلوبهم در عصر حاضر:
- ۶۹۸ دلگرم کردن افراد به اسلام با اموالی غیر از زکات:
- ۷۰۰ بخش چهارم: بردگان (سر الرقاب):
- ۷۰۴ بررسی معتبر فقهر «فی الرقاب»:
- ۷۰۷ پیشگامی اسلام بر زمین کردن بردگی:
- ۷۱۰ آزادی اسرای مسلمانان با استفاده از سهمیه‌ی اختصاص یافته به بردگان:
- ۷۱۰ آزادی ملت‌های مستعمره از دست عماران اسلام از سهمیه‌ی اختصاص یافته به بردگان:
- ۷۱۲ بخش پنجم: بدهکاران:
- ۷۱۲ ۱: بدهکارانی که به خاطر مصالح شخصی زیر بار قس رفته‌اند:
- ۷۱۳ سانحه‌دیدگان مال‌باخته:
- ۷۱۴ شرایط لازم برای دادن زکات به دسته‌ی اول:
- ۷۱۷ مقدار زکاتی که به دسته‌ی اول اعطا می‌گردد:
- ۷۱۸ موضع (حکیمانه و) شگفت‌انگیز اسلام در مورد بدهکاران:
- ۷۲۲ دسته‌ی دوم: بدهکارانی که به خاطر مصالح دیگران زیر بار قرض رفته‌اند:
- ۷۲۵ پرداخت دین میت (فوت شده) از اموال زکات:
- ۷۲۷ «قرض الحسنه» از اموال زکات:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾
(توبه: ۱۰۳)

(ای پیغمبر!) از اموال آنان زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را پاک‌داری و ایشان را تزکیه کنی، و بدان آنان دعا و طلب آمرزش کن که قطعاً دعا و طلب آمرزش تو مایه‌ی آرامش ایشان می‌شود. خداوند شنوا و آگاه (از نیات همگان) است.»

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

عن الصادق عليه السلام: نحمد لله ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا. من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمداً عبده ورسوله. إن أصدق الحديث كتاب الله و أحسن الهدى هدى محمد ﷺ و شر الأمور محدثاتها كل محدثة بدعة و كل ضلالة في النار.

در عصری که گمان بر می‌گردد که فریضه‌ای الهی که هم ردیف نماز است و در قرآن کریم همواره در کنار نماز آن را ذکر می‌کنند توسط بسیاری به فراموشی سپرده شده است. زکات از جمله‌ی فرایضی است که الله متعالی آن را هدیه‌ی برکت در اموال و موجب تزکیه‌ی افراد قرار داده است اما چون بسیاری حقیقت آن را درک نکرده‌اند تصور می‌کنند که اگر زکات مال خویش را بدهند از مقدار آن کاسته خواهد شد و در مالشان کاسته خواهد آمد. این در حالی است که طبق فرموده‌های الله و رسول او، زکات موجب زیادتی در مال و مالکیت است در آن می‌شود.

سعدی شیرازی می‌گوید:

زکات مال به در کن که فضله‌ی زر را

چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور

به تعبیر اندیشمند بزرگ جهان معاصر مرحوم علامه ابوالحسن نجفی؛ امروزه در مورد زکات همان ارتدادی که در عصر ابوبکر صدیق رضی الله عنه اتفاق افتاد روی داده است. مالگری نیست که با آن به مبارزه برخیزد.

کتاب «فقه الزکاة» که تحت عنوان «دانشنامه‌ی زکات» ترجمه شده، کتابی است بس مهم و ارزشمند که متن عربی آن تا کنون حدود ۳۰ مرتبه تجدید چاپ شده است. این اثر از اندیشمندان اسلامی این کتاب را، «کتاب قرن» نامیده‌اند و بسیاری نیز آن را ستوده و گفته‌اند: «دوین و تألیف چنین کتابی همت و تلاشی جمعی و گروهی را می‌طلبد اما مؤلف به تنهایی از عهده‌ی آن بر آمده است. استاد قرضاوی، خود نیز این کتاب را بهترین آثار خویش معرفی می‌کند و این را توفیقی بزرگ از جانب الله برای خود می‌داند.

خداوند سبحان را شکر و سپاس می‌گوییم که به این حقیر (مترجم) توفیق عنایت فرمود تا در سایه‌ی الطاف او ترجمه‌ی این اثر گران‌بها را به پایان رسانم و به نوبه‌ی خود خدمتی اندک را در این حوزه ارائه دهم.

البته مترجم به هیچ‌وجه ترجمه‌ی خود را از نقص و عیب عاری نمی‌داند و لذا عاجزانه از اندیشمندان و علمای بزرگوار خواهشمند است با نظریات و پیشنهادات ارزشمند خویش او را یاری رسانند و عیوب و نقایصی که در ترجمه از روی غفلت یا فراموشی و یا به علت عدم تسلط بر موضوع و یا در نتیجه‌ی خستگی و غیره رخ داده را از طریق ایمیل - که آدرس آن در پایان مقدمه‌ی مترجم نوشته شده - و یا از طریق مسؤولین محترم نشر احسان به وی گوشزد کنند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح گردد.

در ترجمه‌ی آیات قرآنی در این کتاب از ترجمه‌ی استادان بهرام‌پور و فولادوند و انصاری بهره گرفته‌ام؛ و چند سعی این حقیر بر آن بوده که تفاسیر و سایر ترجمه‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهم. در ضمن با توجه به آن‌که بسیاری از عبارات و اصطلاحات به کار رفته در کتاب، در قالب عبارات و کلمات فارسی بی‌گنج است در بسیاری مواقع عین عبارت عربی را نیز داخل پرانتز آورده‌ایم و سعی کرده‌ایم معادل‌های مترادف و مترادف‌های سنجش را نیز در پاورقی متذکر شویم و یا حداقل توضیحاتی مختصر را پیرامون آن درج کنیم. در پایان بر خود لازم می‌دانم استاد فاضل و ارجمند؛ جناب مولوی اسماعیل مرتضایی و سایر بزرگوارانی که در این زمینه حقیر را مساعدت کردند، تشکر و قدردانی کنم.

عبدالصمد مرتضوی

Mortadawi@yahoo.com

۲۰ جمادی الاول ۱۴۳۲ هـ ق

۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ هـ ش

مقدمه مؤلف

(اللَّهُ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ اتَّبَعَ هَدَاهُ)

زکات جمله‌ای کلی پنجگانه‌ی دین مبین اسلام است که از اهمیتی چون توحید و نماز برخوردار است. تا زمانی که شخصی این رکن دینی را نپذیرفته، به دایره‌ی اسلام وارد نمی‌گردد. به گواهی قرآن زمانی یکدیگر برابر دینی دیگر مسلمانان به حساب می‌آید که ضمن اعتقاد به یگانگی خداوند و نماز، به زکات نیز عنوان کنی اسلامی معتقد باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأَخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾ (توبه: ۱۱)

«اگر آنان (از کفر) توبه کردند و نماز را اقامت دادند و زکات دادند در این صورت برادران دینی شما هستند.»

هرچند زکات از جمله‌ی ارکان عبادی دین مبین اسلام به شمار می‌آید و از آن به‌عنوان خواهر نماز نیز یاد می‌گردد، اما در حقیقت این رکن دینی جزوی از نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام است و به همین خاطر در کتب نوشته شده پیرامون سیاست‌های مالی و بانوان نیز بدان پرداخته می‌شود. باتوجه به موارد فوق، جای تعجب نخواهد بود که هریک از دانشمندان اسلام از منظری خاص به این رکن دینی بنگرند و با اسلوبی ویژه احکام و رموز آن را مطرح کنند. هر یک از تقسیم‌بندی کلی از اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی چون تفسیر، حدیث، فقه و اقتصاد، عناین به هریک از این گونه‌ی پرداختن به زکات و احکام آن مطرح می‌نماییم.

الف) مفسرین: علمای تفسیر معمولاً ذیل آیاتی چون (آیه‌ی ۲۶۷ به بعد سوره‌ی بقره) و (آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی انعام) و (آیات ۳۴، ۶۰ و ۱۰۳ از سوره‌ی توبه) و غیره بحث زکات را مطرح می‌کنند و به تفصیل پیرامون آن سخن می‌گویند. در این میان آن دسته از مفسرینی که به احکام قرآن عنایت ویژه دارند چون: ابوبکر رازی معروف به جصاص و ابوبکر بن عربی و ابوعبدالله قرطبی، بیش از سایرین به این‌گونه آیات می‌پردازند.

ب) محدثین و شارحین حدیث: در تمامی کتب حدیثی چون: صحیح بخاری، صحیح مسلم، جامع ترمذی، سنن نسایی، سنن ابوداود و سنن ابن ماجه، فصل یا بابی به زکات و احکام آن اختصاص یافته و طی آن به احادیث قولی و عملی آن حضرت در مورد زکات اشاره شده است.^۱

تنها در کتاب صحیح بخاری، فصلی تحت عنوان «کتاب الزکاة» دربرگیرنده ۱۷۲ حدیث پیرامون زکات است که البته امام مسلم نیز جز در ۱۷ حدیث در تخریج بقیه‌ی آنها با امام بخاری موافق بوده است. در همین کتاب ۲۰ اثر از صحابه و تابعین نیز در مورد زکات نقل گردیده است.^۱

ج) فقهاء: از آنجا که فقهای اسلامی زکات را دومین رکن عبادی اسلام پس از نماز می‌دانند، با تمسک به قرآن و سنت، این رکن دینی را همواره در قسم عبادات و پس از نماز مطرح می‌کنند.

د) علمای اقتصاد: صاحب نظران امور اداری در اسلام: این دسته از اندیشمندان، زکات را جزوی از نظام اقتصاد و اجتماعی اسلام تلقی می‌کنند و لذا مشاهده می‌شود که در کتبی چون: «الخراج» اثر ابویوسف و «السیاسة» اثر ابومعین و «الخراج» اثر یحیی بن آدم و «الاحکام السلطانیة» اثر ماوردی شافعی و «السیاسة» اثر ابومعین تیمیه و «الاحکام السلطانیة» اثر ابویعلی حنبلی، ابواب و فصولی به زکات و احکام آن اختصاص داده شده است.

بنابراین حوزه‌ی بحث پیرامون زکات بسیار گسترده است و مصادر و منابع فراوان دارد. با این وجود آیا لازم است پژوهشی نو در مورد این رکن دینی صورت گیرد؟ به تعبیری دیگر آیا واقعاً در کتابخانه‌های اسلامی ما جای تحقیق و بررسی است که طی آن جایگاه زکات در نظامهای اقتصادی و اجتماعی معاصر تبیین گردیده و به احکام و فلسفه‌ی آن همچنین آثار آن بر زندگی فردی و اجتماعی پرداخته شده باشد، خالی است؟

با کمال اطمینان می‌توان گفت: نه تنها پاسخ سؤال فوق مثبت است بلکه بنا به دلایلی امروزه بسیار ضروری است که این رکن دینی از جنبه‌های مختلف مورد کاوش و تفحص قرار گیرد. این دلایل به شرح ذیل می‌باشد.

۱ - هر نویسنده متناسب با زمان و با همان اسلوب مخصوص به عصر خویش تمام می‌فرساید و لذا هرچند امروزه آثار و تألیفات متعددی از علمای قرون و دوره‌های پیشین به یادگار مانده، اما پژوهشگران معاصر نباید به این آثار اکتفا کنند. آنها موظفند پیرامون زکات تجدیدنظر نموده و ضمن گردآوری احکام و رموز آن از میان مصادر مختلف، با قالب و شکلی نوین و متناسب با عصری که در آن زندگی می‌کنند به بیان آن بپردازند. بدون تردید هر عصر از اسلوب بیانی خاص برخوردار است و هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. نکت: فتح الباری، ابن حجر عسقلانی (۴ / ۱۲۰)، پایان کتاب الزکاة.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُعَيِّنَ لَهُمْ﴾^۱
 «(ای محمد ﷺ!) ما هیچ پیغمبری را نفرستاده‌ایم مگر اینکه به زبان قوم خودش
 (متکلم بوده است) تا برای آنان (احکام الهی را) روشن سازد (و حقائق را تبیین و
 تفهیم کند).»

در اقتصاد اسلامی دو موضوع اساسی و بسیار مهم وجود دارد که ضروری است مورد بحث و
 تفحص قرار گیرد. این دو موضوع که یکی جنبه‌ی ایجابی و دیگری سلبی دارد عبارتند از: زکات و ربا.
 زکات در جمعی از ارکان پنجگانه‌ی دین مبین اسلام است که بر هر مسلمان فرض گردانیده شده است. در
 سلبی، ربا از جمله‌ی گناهان کبیره‌ای است که آن را در زمره‌ی مهلکات هفتگانه برشمردند و بر هر
 مسلمان انجام آن حرام گردیده است. طبق ایده‌ی اسلامی ما هرکس منکر فرضیت زکات و یا منکر
 حرام بودن ربا گردد به جماع علمای اسلامی از دایره‌ی اسلام خارج می‌گردد و به او مرتد اطلاق می‌شود.
 در حقیقت، هر دو موضوع از زکات مورد بحث و توجه قرار گرفته و در قرون اخیر کتب متعددی
 پیرامون آن تألیف گردیده است. علما و اندیشمندانی چون: ابو‌الاعلی مودودی^۱، محمد عبدالله دراز^۲،
 عیسی عبده^۳، محمد ابوسره^۴، محمد عبدالله العربی^۵، محمود ابوالسعود^۶، محمد باقر الصدر^۷، محمد
 عزیز^۸ و غیره از جمله کسانی هستند که در این مورد به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. البته پژوهش‌ها و
 مقالاتی نیز در این مورد نگاشته شده که بر برخی از آن‌ها نویسنده فقط از جنبه‌ی اسلامی به موضوع
 نگریسته اما در برخی دیگر، نویسنده از دیدگاه سرمایه‌داری غربی متأثر بوده و با چنین بینشی به
 اقتصاد و زندگی نگریسته است.

با این وجود حتی موضوع ربا نیازمند بحث کاوش بیشتری است و همواره این مجال فراهم
 است که با رجوع به مصادر اصیل اسلامی و با تکیه بر پژوهش‌های تطبیقی تلاشی افزون و پژوهشی
 جامع پیرامون آن صورت گیرد.

۱. کتاب «الربا» از جمله‌ی آثار اوست که بارها به زبان عربی به چاپ رسیده است.
۲. از وی مقاله‌ای تحت عنوان «الربا» به جای مانده است. وی این مقاله را به عنوان نماینده «الازهر» در کنفرانس اسلامی در
 سال ۱۹۵۱م در پاریس ارائه داده است.
۳. رساله‌ی «لماذا حرم الله الربا» از جمله نوشته‌های اوست که «مکتبه المنار الاسلامیه» در کویت آن را در دسترس عموم قرار داده است.
 «اقتصاد عالم اسلامی» فراهم آورده منتشر کرده است.
۴. رساله‌ی «تحریم الربا تنظیم اقتصادی» از آثار وی است که «مکتبه المنار الاسلامیه» آن را به چاپ رسانده است.
۵. وی در کنفرانس مرکز پژوهش‌های اسلامی در قاهره سخنرانی‌ای را پیرامون «مالکیت خصوصی و حدود آن در اسلام» ارائه
 کرد که همین مرکز در اولین کتابش آن را منتشر کرد.
۶. وی در کتاب خود «خطوط رئیسیه فی الاقتصاد الاسلامی» بحثی را به این موضوع اختصاص داده که: آیا تأسیس بانک
 اسلامی امکان‌پذیر است یا خیر. مکتبه المنار این نوشته‌ی وی را چاپ کرده است.
۷. نک: اقتصاددانان، باقرالصدر، دارالفکر، لبنان. از وی مقاله‌ای تحت عنوان «البنک اللاروی» نیز به جای مانده است.
۸. نک: عوامل النجاح فی البنک اللاروی، چاپ المنار.

به هر حال آن گونه که پیداست به موضوع ربا عنایت‌هایی شده است اما موضوع زکات آن گونه که باید، مورد توجه پژوهشگران و دانشمندان قرار نگرفته است. این در حالی است که زکات از جمله‌ی فرایض مهم دینی است و در نظام اقتصادی و اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار است و لذا ضرورت دارد که این فریضه‌ی دینی نیز همچون سایر فرایض و احکام هم‌ردیف خود مورد عنایت و توجه قرار گیرد.

۲ - در میان کتب فقهی با احکام و مسائلی روبرو هستیم که از همان قدیم پیرامون آن‌ها میان فقها و مجتهدین اختلاف نظر وجود داشته است. هریک از مجتهدین در مورد این مسائل با ذکر دلیل نظر خود را مطرح کرده و تا سرحد توان از مذهب یا مقتدای خویش به دفاع پرداخته و جالب توجه این که میان فتاوای مجتهدین، تناقض‌ها و تعارضاتی وجود دارد که هر طالب فتوایی را متحیر می‌کند. بنابراین ضروری است که پیرامون این فتاوا و ادله‌ی آن تجدیدنظری صورت گیرد و با عرضه‌ی بر کتاب و میزانی آن خداوند بزرگوار بشریت نازل فرموده، به طور منصفانه و دقیق بررسی شود تا سرانجام به صدور رأیی راجح رسد. پیش‌نگری غیر معصوم منجر شود.

بنابراین ضرورت است که دکتر گوارثی در کتاب «الاسلام عقیده و شریعة»^۱ تحت عنوان «الزکاة رکن دینی عم» می‌نویسد: «علی‌رغم آن که معتقد اختلاف در دیدگاه دلالت بر حیات فکری قوی و عظمت و بزرگی نظام معصوم دارد اما وقتی مشاهده می‌کنم این قدر در میان فقهای اسلامی و ائمه‌ی دین در مورد زکات اختلاف نظر وجود دارد و کتب فقهی مشحون از دیدگاه‌های مختلف (و بلکه متعارض) است به تنگ می‌نویسم می‌گیرد.

«این فریضه‌ی دینی (زکات) به لحاظ اهمیت در ردیف نماز قرار دارد و واجب است همان گونه که مسلمانان به نماز اهمیت می‌دهند برای این فریضه‌ی الهی اهمیت قابل شوند. امروزه جایگاه و شأن نماز در میان مسلمانان واضح و مبرهن گشته و دیگر شهادت اختلافی میان آنان در مورد اصل نماز وجود ندارد. هر مسلمان در شبانه‌روز پنج وعده نماز می‌خواند و بر این مورد هیچ یک از مسلمانان با دیگری اختلاف ندارد و این در حالی است که پیرامون زکات که در اسلام است میان علما اختلاف بسیاری وجود دارد و همین اختلاف در اصل و مقدار زکات موجب گردیده تا مسلمانان نیز که احکام دینی خود را از فقیهان و مجتهدین مختلف تقلید می‌کنند دچار اختلاف نظر باشند.

اختلاف میان فقها در این مورد به حدی است که گاه فتاوای آن‌ها در تعارض هم قرار می‌گیرد. به عنوان مثال: هر چند برخی از فقها فتوا داده‌اند که: به اموال کودک و مجنون زکات تعلق نمی‌گیرد اما برخی دیگر دقیقاً خلاف این فتوا داده و گفته‌اند بدان زکات تعلق می‌گیرد. برخی نیز گفته‌اند: به دینی که یک شخص بر ذمه‌ی دیگری دارد و همچنین کالای تجاری، زکات تعلق می‌گیرد در حالی که

از جمله مواردی است که (در گذشته چندان بدان پرداخته نشده و) اکنون این سؤال مطرح است که آیا بدان زکات تعلق می‌گیرد یا خیر؟ آیا تنها به همان کالاهایی که در عهد سلف صالح بوده و آنان حکم به زکات در مورد آن‌ها صادر کرده‌اند زکات تعلق می‌گیرد؟ اگر جواب سؤال اخیر منفی است و معتقدیم که زکات به سایر کالاها هم تعلق می‌گیرد، میزان زکات در این نوع کالاها به چه میزان است؟ چه زمانی زکات این اموال واجب می‌گردد؟ آیا اساس و ریشه‌ی فقهی برای این مسأله وجود دارد؟ این‌ها همه سؤالاتی است که توده‌ی مسلمین را به خود مشغول داشته و همواره توسط آن‌ها مطرح می‌گردد.

در این خصوص دینی که پیرامون زکات وارد گردیده با مقادیر و نصاب‌هایی چون «أوسق^۱ خمسة» نصاب کشت و زرع و «صاع» در زکات فطریه و «۲۰۰ درهم» و «۲۰ دینار» در زکات نقود مواجه می‌شویم که سؤالی با برخورد با آن‌ها این سؤال در ذهنمان به وجود می‌آید که: چه گونه می‌توان میزان دقیق این نصاب‌ها را سنجید؟ چه گونه می‌توان این نصاب‌ها و مقادیر را با مقیاسهای وزنی موجود در جهان معاصر سنجید؟ آیا این نصاب‌ها و مقادیر ثابت‌اند یا با تغییر اوضاع اقتصادی و اجتماعی دچار تحول می‌گردند؟ آیا این برخی نقود به خصوص نقره نسبت به دوران آغازین طلوع اسلام از ارزش کمتری برخوردار شده است؟ آیا این نصاب‌ها کم گردیده است، در میزان نصاب آن تأثیرگذار است؟

در عصری که ما زندگی می‌کنیم مالیات یکی به صورت ویژه یا عمومی و یا به صورتهای نسبی یا تصاعدی توسط حکومت‌ها بر توده‌ی مردم تحمیل می‌گردد و درآمدهای حاصل از آن صرف مخارج عمومی دولت و تحقق برخی اهداف اجتماعی می‌گردد... آیا میان این‌گونه مالیات‌ها و زکات رابطه‌ای وجود دارد؟ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان این دو به لحاظ اهداف، اصول، مصدر و موارد مصرفی وجود دارد؟ آیا امکان دارد که مالیات‌ها جایگزین زکات گردد؟ آیا پاسخ منفی است یا از دیدگاه شرعی جایز است که ضمن اخذ زکات از مردم، این‌گونه مالیات‌ها نیز بر آنان تحمیل گردد؟

این‌ها همه سؤالاتی است که امروزه مطرح می‌گردد و ناچار باید به آن‌ها پاسخی گفت. چه بسا برای برخی از مردم در عصر ما گران باشد که دانشمندی معاصر در مورد قضایای فقهی از فقهای پیشین پیرامون آن فتوایی صادر نشده حکم صادر کند! البته نباید فراموش کرد که این پاسخی برخاسته از آن است که در دوره‌هایی چند توسط برخی ندای بسته بودن باب اجتهاد سر دادند و مردم نیز از آن متأثر گردیده‌اند. بدون شک این ندایی باطل و بی‌اساس است زیرا رسول گرامی اسلام باب اجتهاد را باز گذاشته و کسی حق ندارد خلاف او عمل کند و باب اجتهاد را ببندد.

محققین و دانشمندان اصولی معتقدند: اجتهاد قابل تجزیه است، بدین معنا که امکان دارد دانشمندی در برخی ابواب و مسایل مجتهد باشد اما در مسایلی دیگر صلاحیت اجتهاد نداشته باشد.

۱. أوسق جمع «وسق» است و هر وسق تقریباً معادل ۶۰ صاع می‌باشد. (مترجم)

این‌گونه اجتهاد برای آن دسته از علمای دینی که مقدمات آن را در زمینه‌ی پژوهش در حوزه‌ی علوم شرعی و علم لغت فراهم آورده و با داشتن بختگی و تخصص لازم برای مقایسه‌ی متون و استنباط احکام به مصادر دینی مراجعه می‌کنند نه تنها ناممکن نیست بلکه بسیار آسان است.

نگارنده (مؤلف) معتقد است: صادر کردن حکم قاطع پیرامون این‌گونه مسایل نیازمند اجتهاد جمعی گروهی از علمای مسلمین است، هرچند اجتهادات و پژوهش‌های فردی نیز در زمینه‌های مختلف راه گسست و راه را برای تحقق اجتهادی صحیح و به هنگام هموار می‌کند.

مفهوم اجتهادی گروهی که دربرگیرنده‌ی آرای علمای متبحر و مورد اطمینان اسلامی در سرتاسر جهان است همواره با مشکلات و موانعی روبرو بوده که البته بیشتر این معضلات از بازی‌های سیاسی و خواسته‌های ناشی می‌شده است.

۴- متأسفانه بسیاری از مسلمانان، حتی آنان که از جمله‌ی روشنفکران دینی به حساب می‌آیند در فهم (برخی مسایل) دینی اشتباه می‌شوند. برخی تصور می‌کنند زکات تنها همین است که ثروتمندی نیکوکار چند کیل از حیوانات یا ریالی را کم یا زیاد، به شخص فقیر بدهد تا سدرمق وی گردد و آن‌گاه آن شخص همواره به دست او رسد. در آن ثروتمند، دست وی را بیوسد و مدام برای او دعا کند که خداوند در مال و اولاد او بخت کند.

چنین تصویری از زکات هرچند با کمال بی‌درد بسیاری عمومیت یافته، اما هیچ ارتباطی با تعالیم دینی ما ندارد (و به جرأت می‌توان گفت با اندیشه‌ی اسلامی ما بیگانه است).

چندی پیش روزنامه‌نگاری^۱ که مدعی روشنگری بود، یکی از مطبوعات متداول مصر ادعا کرده بود که زکات در جامعه‌ی نوین کارساز نیست زیرا نظام اقتصادی و اجتماعی جوامع معاصر بر پایه‌ی کار و تولید مبتنی است و زکات و صدقات مشکل آن را حل نمی‌کند. گویی این شخص مدعی بوده که: زکات در اسلام تنها عبارت است از دادن صدقات (و اموالی) به رمانت‌کار و آن‌هایی که از کار بی‌کار شده و خانه‌نشین شده‌اند.

یکی دیگر از نویسندگان^۲ در کتاب خود از «عدالت اسلامی» تعبیر به «اشتراک الموقوفات»^۳ نموده که البته بی‌تردید چنین اندیشه‌ای تنها برخاسته از نادانی و بدخواهی این افراد نسبت به اسلام راستین است.

۱. مراد یکی از نویسندگان سوسیالیسم به نام «احمد بنیاء الدین» است که در یکی از مقالات هفتگی خود در روزنامه‌ی «اخبار الیوم» در سال ۱۹۶۱ م چنین ادعایی را مطرح کرده بود.

۲. شخص مورد نظر نویسنده‌ای به نام «خالد محمدخالد» است که در کتابی تحت عنوان «من هنا بدأ» چنین ادعایی را مطرح کرده است.

۳. «اشتراکیه» به معنای جامعه‌گرایی و سوسیالیسم می‌باشد که البته اشتراک و همیاری نیز معنی می‌دهد. (مترجم)

با توجه به مطالب فوق پی می‌بریم که ضروری است در این زمینه تحقیق و پژوهشی صورت گیرد (تا حقیقت زکات از منظر اسلام تبیین گردد). نگارنده معتقد است انجام چنین پژوهشی فرض کفایه است و اگر هیچ‌یک از مسلمین بدین مهم همت نگمارد همگان گنهگار خواهند بود. یکی از نویسندگان^۱ و محققینی که در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی به تحقیق و مطالعه می‌پردازد وقتی مشاهده می‌کند که علی‌رغم اهمیت و جایگاه والای زکات نزد مسلمانان هنوز کتابی جامع پیرامون زکات تألیف نگردیده و همچنان جای چنین کتابی در کتابخانه‌های نوین اسلامی خالی است دچار حیرت و تعجب می‌شود و نسبت به این که موضوع زبان به اعتراض می‌گشاید).

برای بررسی امور اسلامی در وزارت اوقاف مصر در ۹ سال پیش مسابقه‌ای بزرگ ترتیب داد که طی آن تمامی اندیشمندان و نویسندگان جهان اسلام دعوت به عمل آورد که در موضوعاتی خاص که از آن جمله «موضوعات در اسلام» نیز بود، مقالات و رساله‌هایی را در حداقل ۳۵۰ صفحه به رشته تحریر در آورند. هدف این شورا آن بود که نظر نویسندگان و اهل قلم را به این موضوعات خاص معطوف کند تا بیش از پیش به اینها بها داده شود.

در ماه مارس سال ۱۹۶۳ میلادی پنجمین پژوهش‌های اسلامی در قاهره با حضور اندیشمندانی به نمایندگی از ۴۰ کشور جهان تشکیل داد و بر این موضوع بسیار تأکید نمود. از مهمترین مصوبات این انجمن آن بود که: «هائیکه انواع زکات و درآمدهای مالی در اسلام و راههای بهره‌وری از این درآمدها و همچنین رابطه‌ی آن با فرد، جامعه و حقوق عمومی و خصوصی مربوط به آن در اولویت قرار دارد، زیرا نقطه‌ی تلاقی دو سعه‌ی اساسی اسلام یعنی عبادت و سلوک اجتماعی می‌باشد. بدین ترتیب در این همایش مقرر گردید که این موضوعات در دوره‌ی بعدی این کنفرانس محور اصلی قرار گیرد.^۲

اهداف کلی تحقیق:

اهداف کلی که در این تحقیق دنبال می‌کنیم عبارتند از:

- الف: گردآوری آنچه پیرامون موضوع مذکور در منابع اصلی - چنانچه تنبلی و تفسیری و کتاب‌های فقهی مذاهب مختلف و کتبی که پیرامون سیاست مالی و قانونی در اسلام - نگارش یافته و بیان آن به شکلی نوین که پرده از حکم اسلام در مورد آن بردارد.
- ب: تلاش در راستای گزینش اختلافاتی که پیرامون موضوع وجود دارد و در نهایت جست‌وجوی رأی راجح و برتر براساس ادله‌ی شرعی و متناسب با نیاز و مصالح مسلمین در عصر حاضر تا سرحدی که در محدوده‌ی وسع ماست.

۱. مراد استاد محمود ابوالسعود است که در مقاله‌ی خود که در چند سال پیش در مجله‌ی «المسلمون» به چاپ رسیده به این نکته اشاره کرده است.

۲. المؤتمر الاول لمجمع البحوث الاسلامیه، ص ۳۱۴.

ج: تلاش برای اظهارنظر پیرامون مسایل مستحدثه و جدیدی که به موضوع مذکور مربوط است اما در عین حال که علمای پیشین در مورد آن آگاهی نداشته‌اند، پژوهشگر معاصر نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

د: هویدا نمودن حقیقت زکات به‌عنوان مالیاتی اسلامی و مقایسه‌ی میان آن و مالیتهایی که تازه‌ها به عرصه‌ی وجود نهاده و همچنین بیان تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها.

ه: بیان اهداف و آثار زکات در زندگی اجتماعی مسلمانان و زدودن مشکلاتی چون فقر، آوارگی، تکدی‌گری و مصیبت‌هایی که جامعه‌ی اسلامی بدان دچار است و همچنین تلاش در راستای پیش‌گرفتن زکات بر بیمه‌ی اجتماعی و مانند آن که امروزه مرسوم است.

و: تسخیح و اصلاح تصورات نادرستی که در نتیجه‌ی سوء برداشت و یا به دلیل شبهه افکنی برخی دشمنان از نام زکات صورت‌گرفته است ایجاد شده است.

هدف ما از نگارش این تحقیق (کتاب) آن است که اهداف مذکور محقق گردد اما امیدواریم اگر تمامی این اهداف به‌طور کامل محقق نگردید، حداقل به تحقق بیشتر این اهداف نایل آییم.

روش تحقیق و مراجع

روش و مراحل را که در این تحقیق دنبال کرده‌ایم بدین شرح است:

۱- تعیین منابع و فیش‌برداری

پیش از هرچیز نگارنده (مؤلف) سعی نمود در ترمینال و متون لازم را از میان منابع قدیمی و جدید شامل منابع شرعی و وضعی و به ویژه قرآن و سنت که تکیه‌ی تحقیق ما را برای بیان حقیقت زکات و احکام و اهداف و جایگاه آن در اسلام تشکیل می‌دهد، آوری نمایم. ما در این تحقیق از مصادر و منابع وافر و کمک‌گرفته‌ایم که در زیر از: الف: کتب تفسیری اعصار مختلف شامل: تفاسیر اثری (روایی) و تفاسیر به رأی و به‌ویژه تفاسیر «آیات الأحکام».

ب: کتب حدیثی شامل: متون، شروح، روایت، درایت، جرح و تعدیل به‌خصوص کتب «فقه‌الحديث» مثل «منتقى الأخبار» و «بلوغ المرام» و شروح آن دو.

ج: کتب فقهی مذاهب مختلف و فقه مقارن به‌ویژه آن دسته از کتابهایی که مبتنی بر ادله و در رد مخالفین نگاشته شده و همچنین کتب اصول و قواعد فقهی.

د: کتب فقه مالی و اداری که بدون شک بزرگترین کتاب در این زمینه همانا کتاب «الأموال» علامه‌ی فقیه امام ابو‌عبیدقاسم بن سلام می‌باشد.

ه: کتب و مقالات جدیدی که برخی در زمینه‌ی مالی و اقتصادی و برخی در زمینه‌ی اجتماعی و برخی دیگر پژوهشهایی اسلامی است که دربرگیرنده‌ی جانب یا جوانبی از نظام مالی، اجتماعی و سیاسی اسلام است.

و: کتابهای جانبی چون: کتب لغت، تاریخ، تراجم و دائرةالمعارفها و فهرستها و غیره. شایان ذکر است در هر مرحله از تحقیق که به نقل قول از کتب قدیمی یا جدید پرداخته‌ایم، یا در خلال متن و یا در پاورقی عنوان کتاب و نام مؤلف و صفحه و جلد آن را مشخص کرده‌ایم. البته چنانچه کتابی مشهور بوده و یا پیش از آن چند مرتبه نام آن ذکر شده باشد تنها به نام کتاب اکتفا نموده و نام مؤلف آن را متذکر نشده‌ایم. ما از سلف صالح خویش آموخته‌ایم که: «برکت هر سخن در آن است که به گوینده‌ی (اصلی‌اش) نسبت داده شود». بر همین اساس عبارات و متونی که در این کتاب شهرت آن‌ها اکتفا شده و به مصدری معین نسبت داده نشده است بسیار نادر است. برای سبب خرسندی است که به برکت این تحقیق، پنجره‌ای رو به پژوهشهای مالی و اقتصادی، فراروی اینجانب (نگارنده) گشوده شد و باعث گردید تا از این طریق نسبت به نظام اقتصادی در اسلام اطلاعاتی بسیار نمایم با مبادی و اصول آن آشنا گردم. با انجام این تحقیق موفق گردیدم کتابی تحت عنوان «مشکلات اقتصادی و کیف عالجه‌ها الاسلام» را تألیف نمایم و قصد دارم ان شاءالله در مورد نظام اقتصاد اسلامی و سبب‌های آن را مستقلاً به رشته‌ی تحریر درآورم.

۲- تفکیک مباحث و ترتیب کردن فصلها:

جایگاه و طبیعت موضوع و مرتبه بودن اجزای آن نگارنده را بر آن داشت که با تمام گستردگی و وسعت موضوع، همه‌ی تلاش خود را در این بررسی جامع و کامل آن مبذول دارد، تا سرانجام این تحقیق به‌عنوان مرجعی علمی و نوین در دسترس پیرامون زکات - که از مسائل مهم اسلامی است - تدوین گردد. به هرحال با تمام تلاشی که به‌سبب ضرورت گرفت تحقیق مذکور نسبتاً به درازا انجامید و طولانی شد. این تحقیق (کتاب) مشتمل بر ۹ فصل است که به شرح ذیل از هم تفکیک شده است. فصل اول: در این فصل به تحقیق پیرامون وجوب زکات پرداخته و بیان کرده‌ایم که تمامی ادیان آسمانی به فقرا و تهیدستان عنایت داشته‌اند. در ضمن متذکر شده‌ایم که اسلام راستین از همان آغاز (یعنی عهد مکی) به ضَعْفًا و تنگدستان توجه داشته و پس از هجرت رسوا کرده و مدینه، با تشریح زکات بر این عنایت افزوده و نظامی نمونه را بنیان نهاده که در هیچ دین و قانونی مصداق آن نمی‌توان یافت. فصل دوم: در این فصل به اینکه بر چه کسانی زکات واجب می‌گردد بیان کرده‌ایم و به تفصیل پیرامون حکم زکات در مال کودک و مجنون و اینکه آیا امکان دارد از غیرمسلمانان زکات اخذ نمود یا خیر سخن گفته‌ایم.

فصل سوم: این فصل به بیان دارایی‌هایی چون ثروتهای حیوانی، نقدی، تجاری، زراعی، معدنی، دریایی و تولیدیهای حیوانی چون عسل و مانند آن‌که در آن‌ها زکات واجب می‌گردد اختصاص یافته است. در همین فصل حکم زکات در کارخانه‌ها و ساختمانهایی که به منظور کسب درآمد و بهره‌وری ساخته می‌شود و همچنین حکم زکات در درآمدهای حاصل از سرمایه‌های غیرتجاری و درآمدهایی که در نتیجه‌ی شغل‌های آزاد یا غیر آن عاید افراد می‌شود را نیز تبیین نموده‌ایم.

فصل چهارم: در این فصل به تفصیل پیرامون آنچه قرآن به‌عنوان موارد مصرف زکات تعیین نموده پرداخته‌ایم و مشخص کرده‌ایم که به هریک از این اصناف که قرآن کریم آن‌ها را مستحق زکات معرفی کرده چه مقدار از زکات را باید اختصاص داد. همچنین در این فصل ضمن بیان اینکه آیا بایستی این اصناف به طور مساوی از زکات برخوردار گردند یا خیر، مشخص کرده‌ایم چه کسانی مستحق دریافت زکات نیستند و طبق شریعت اسلامی نباید زکات مال را به آن‌ها پرداخت.

فصل پنجم: این فصل به چگونگی ادای زکات و حکم تأخیر یا تعجیل در ادای آن و حکم انتقال آن از اجداد به ناحیه‌ی دیگر اختصاص یافته است. در این فصل ضمن بیان میزان رابطه‌ی دولت (بلکه کوه) با مسأله‌ی زکات به مسائلی چون اینکه: آیا جایز است به جای اصل مال زکات بهای آن را اعطای نمود نیز پرداخته‌ایم.

فصل ششم: در این فصل که به اهداف و پیامدهای زکات اختصاص یافته، سعی نموده‌ایم که فلسفه‌ی زکات را از سبب زکات دهنده، زکات گیرنده و تمامی جامعه‌ی اسلامی تبیین نماییم. همچنین در این فصل پیرامون آثار زکات در زدودن مشکلاتی چون بیکاری، تکدی‌گری، تبعیض، سوانح، آوارگی و دشمنی‌های کینه‌روری‌ها به تفصیل سخن گفته و علاوه بر پرداختن به آثار مستقیمی که این فریضه‌ی الهی بر مشن فرد دارد به آثار آن در رفع معضلات مذکور نیز پرداخته‌ایم.

فصل هفتم: این فصل به زکات طبق حکم آن اختصاص یافته است.

فصل هشتم: در این فصل پیرامون اینکه چگونه می‌توان غیر از زکات نیز به مال تعلق می‌گیرد قلم فرسوده‌ایم و ضمن بیان اختلاف علما و براهین هریک در این مورد، سعی نموده‌ایم با بررسی مواضع اختلاف دلیل راجح را انتخاب و طبق آن حکم صادر نماییم.

فصل نهم: در این فصل زکات را مالیاتی برشمرده‌ایم که نه تنها در اساس و حقیقت بلکه در مبانی و اهداف نیز با سایر مالیات‌ها متفاوت است و بر بسیاری از اصول و احکام و تفکر بشری پس از سال‌ها تجربه اکنون بدان نائل آمده سبقت جسته است. بدیهی است زکات در حکام، مفاهیم، آثار و اهدافی است که سایر مالیات‌های (ساخته و پرداخته‌ی) بشری از آن عاری است. آیا این رقابت با آن را ندارد. همچنین در این فصل تبیین نموده‌ایم که آیا به لحاظ شرعی جایز است که ضمن کسب زکات از مردم مالیات‌هایی را هم بر آن‌ها تحمیل کنیم و اصلاً آیا همین که مالیات‌هایی را از مردم اخذ می‌نمایند می‌تواند جایگزین زکات گردد یا خیر؟ ناگفته نماند پس از فصل پایانی کتاب در بخشی جداگانه و به طور مختصر به تبیین حقیقت زکات و گواهی برخی نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان پیرامون آثار آن در تحقق همیاری، برابری و مساوات میان جوامع پرداخته‌ایم.

کتابی که بیش رو دارید دربرگیرنده‌ی مهمترین مطالبی است که در زمینه‌ی احکام و اصول و اهداف متعلق به زکات نگارش یافته است.

۳- مقایسه و تطبیق:

سومین مرحله از تحقیق موردنظر مقایسه و تطبیق است که به دو صورت ذیل انجام می‌گیرد.
الف: مقایسه و تطبیق در درون مذاهب اسلامی به منظور دستیابی به صحیح‌ترین اجتهادات و قوی‌ترین ادله‌ای که ارائه شده است.

ب: مقایسه و تطبیق میان شریعت مقدس اسلام با سایر ادیان آسمانی و قراردادی که از گذشته تا حال به وجود آمده است. البته این مقایسه بدان منظور صورت می‌گیرد که براساس آن به آنچه شریعت جاویدان اسلام سایر ادیان منسوخ آسمانی و ادیان قاصر ساخته و پرداخته‌ی بشر متمایز می‌گردد پی ببریم.
در مقایسه‌ی میان آرای مذاهب مختلف اسلامی به چهار مذهب معروف اکتفا نکرده‌ایم زیرا نه تنها این اقدام بی‌فایده است بلکه بر سایر مذاهب اسلامی تلقی می‌گردد بلکه در این میان مذاهبی مربوط به فقهای صحابه و تابعین مورد اهمال و بی‌توجهی قرار می‌گیرد و این، هم به لحاظ عقلی و هم به لحاظ شرعی ناجایز است. اندک تدریجی می‌بریم که علاوه بر مذاهبی که از صحابه بزرگوار رسول اکرم به یادگار مانده، می‌توانیم مذاهبی منسوب به ابن مسیب، عمر بن عبدالعزیز، زهری، نخعی، حسن، عطاء، شعبی، مین بن مسهران و غیره که از بزرگان تابعین بوده‌اند را سراغ بگیریم و این در حالی است که پس از آنان نیز از بزرگواران چون سفیان ثوری، اوزاعی، ابوعبید، طبری، داود ظاهری و غیره مذاهبی به جای مانده که فضیلت مورد عنایت و توجه قرار گیرد. اقوال و آرای این بزرگان ثروت علمی عظیمی است که کوتاهی نسبت به آن و نادیده گرفتن آن لغزشی علمی و دینی به حساب می‌آید.

شایان ذکر در نگارش و تدوین کتاب موردنظر به مسأله‌های سنت اکتفا نشده و به آرای فقهی مذاهبی چون امامیه و زیدیه نیز که از جمله‌ی مذاهب شیعی می‌باشند اشاره کرده‌ایم. نگارنده معتقد است: اختلاف میان اهل سنت و تشیع در فروع اندک است و به همین واسطه مشاهده می‌کنیم که متأخرینی چون صنعانی در «سبل السلام» و شوکانی در «نیل الاوطار» به ذکر و تمایز این مذاهب به نقل از امامانی چون هادی، قاسم، باقر، ناصر و غیره پرداخته‌اند. این امر می‌تواند نشان‌دهنده‌ی صحت و متداول بوده و اشکالی را بر آن مترتب نمی‌دیده‌اند.

در مقایسه و تطبیق برون اسلامی نیز ناچار میان زکات و صدقاتی که در ادیان پیشین فرض یا مستحب بوده مقایسه نموده‌ایم و در ضمن به بیان تشابهات و وجوه تمایز میان زکات و آنچه امروزه به‌عنوان مالیات مرسوم گشته و همچنین آنچه امروزه از آن تعبیر به نظامهای بیمه‌ی اجتماعی می‌شود نیز پرداخته‌ایم.

۴- علت یابی و بیان فلسفه احکام:

با اقتدا به شارع مقدس سعی کرده‌ایم در این تحقیق ضمن بیان احکام شرعی به تبیین فلسفه و حکمت احکام نیز بپردازیم و مشخص کنیم که راز اینکه شریعت امری را واجب یا مستحب دانسته و یا حکم حرمت امری را داده است چه بوده و چه هدفی را دنبال می‌کرده است. در دین مبین اسلام همواره ضمن بیان علت هر حکم، اهداف و منافع فردی و اجتماعی آن نیز برای بشریت بیان می‌شود و به صرف صدور حکم اکتفا نمی‌گردد. بنابراین این‌گونه نیست که شارع حکمی را صادر کند و بدون توجه به اینکه مخاطبین وی حکمت آن را درک خواهند کرد یا خیر، تنها با اتکا به اینکه آن‌ها ایمان آورده‌اند بر برابر حکم او فرمانبدارند، آنان را قاطعانه و به صورت الزام به انجام آن فراخواند.

بدون تردید در هر حال بیان حکمت و فلسفه احکام زیننده است اما در عصر حاضر که جریان‌هایی به سرفراز شدن پدیده‌هایی فاسد از شرق و غرب بشریت را هدف قرار داده و بر آن‌ها سیطره یافته‌اند، لازم است ضرورتی است که ضمن بیان احکام اسلامی، فلسفه و حکمت آن‌ها نیز تبیین گردد زیرا دیگر امروزه عصری نیست که تنها احکام الهی را بر بشریت عرضه داریم و انتظار داشته باشیم بدون چون و چرا مورد برون آن‌ها قرار گیرد.

۵- شفاف‌سازی و ترجیح‌رایی

برای یک محقق و پژوهشگر کافی نیست که تنها به مصادر مختلف مراجعه کند و اقوال و نصوصی پراکنده را گرد هم آورده و به مقایسه آن‌ها بپردازد. پژوهشگرانی که از مذهبی خاص تقلید می‌کنند و یا به قول یا ایده‌ای خویش را ملتزم می‌دانند همواره در تلاشند تا اقوال و متونی را در تأیید مذهب خویش فراهم آورند و ضمن یاری رساندن مذهب خود سایر مذاها را بی‌ارزش و پدیده‌ها را مردود شمارند. نگارنده (مؤلف) خویش را از بند تقلید و مذهب محوری برادر و بدون تعصب به هیچ ایده یا مذهبی آزادانه به تحقیق موردنظر پرداخته‌ام.

مذهب محوری و تقلید (همه جانبه از یک فقیه یا مذهب) پدیده‌ای است که سلف صالح ما آن را تجربه نکرده‌اند. هرکس در تمامی مسائل دینی خود - هرچند ضعف و بندگی بقائیت برخی مسائل بر وی محرز گردد - تنها از یک فقیه یا مجتهد پیروی کند در واقع آن فقیه را شایع قرار داده و این در حالی است که تمامی ائمه و مجتهدین دین، امت را از تقلید (کورکورانه‌ی) خویش بازداشته‌اند. تقلید موجب می‌گردد که افراد عقل خویش را از کار بی‌کار کنند و هیچ بهره‌ای از آن در این زمینه عاید آن‌ها نگردد. ابن جوزی می‌فرماید: «(خداوند) عقل را آفرید تا بشریت به وسیله‌ی آن تدبیر و تأمل کند و چه ناپسند است که شخص، شمع را که به وی داده‌اند تا بوسیله‌ی آن در روشنایی ره پوید، خاموش کند و در تاریکی طی طریق نماید».

همچنین گفته شده: جز بی‌خردان و افراد متعصب کسی به تقلید (کورکورانه) روی نمی‌آورد.

براین اساس نگارنده در نگارش این کتاب تقلید را رها کرده و همچون پژوهشگری آزاداندیش که تنها در جست‌وجوی حقیقت است و برایش مهم نیست که حقیقت را کجا و نزد چه کسی خواهد یافت یا به عرصه‌ی پژوهش نهاده‌ام. بدیهی است گاه یک محقق ممکن است حقیقت را نزد متقدمین و گاه نزد متأخرین بیابد و گاهی نیز امکان دارد به این حقیقت در یکی از مذاهب اربعه یا غیر آن و یا حتی در فقه ظاهریه و مکاتبی چون مکتب اهل رأی و مکتب اهل حدیث نائل آید.

نگارنده (مؤلف) معتقد است: نباید حق را در مذاهب اربعه منحصر نمود و ندا سر داد که پس از قرون اولی اسلامی دیگر باب اجتهاد بسته شده است. برخی با کمال تعصب، خویشتن را ملتزم به همان بنا و چنانچه چندین قرن پیش می‌دانند و معتقدند هر آنچه باید فتوا داده می‌شد و یا مورد بحث و اجتهاد قرار می‌گرفت، همین قرون اولیه و در دوران ائمه‌ی دین بدان پرداخته شده و امروزه کسی حق ندارد پیرامون آن اظهار نظر کند. قابل توجه اینکه اگر کسی در برابر این افراد جبهه بگیرد یا خلاف اندیشه‌ی آنان سخن بگوید خیلی زود مورد اتهام قرار می‌گیرد و چیزهایی بدو نسبت داده می‌شود که در خور او نیست.

البته ما با مدعیانی که بدون تأمل و بدون ملاحظیت و معیارهای اجتهاد، ادعای آن می‌کنند نیز موافق نیستیم. درست عکس کسانی که پیش از این متذکر شدیم گروهی نیز هستند که مدعی تجدد و نوگرایی در دین‌اند و آنقدر در این زمینه سرگشته می‌شوند که به قول ادیب مشهور جناب «رافعی»: گویی آن‌ها می‌خواهند دین و زبان و حتی خورشید و ماه را نیز تجدید کنند!

منهج ما در این تحقیق میانه‌روی و اعتدال است. ما ضمن آنکه حریصانه هر اندیشه‌ی نیکو و صالح قدیمی را می‌پذیریم؛ به هر اندیشه و ایده‌ی نوینی که نفع و حقیقت باشد خوش آمد می‌گوییم. بدون تردید فرسودگی و نامرغوب بودن چاپ کتب قدیمی و نگرانی نامناسب بودن خطوط آن، نگارنده را از تعمق در این آثار و بهره‌برداری از گنجهای نهفته در آن بازمانده و موجب نگرندیده که این متون و شروح و حواشی آن را نادیده بگیریم. ما بدون هیچ افراط و تفریطی از تمامی اندیشه‌ها و آرای مطرح‌شده در گذشته و حال بهره‌برداریم. در این مجال ما نهایت تلاش خویش را برای تحقیق و بررسی مبذول داشته و پس از تحلیل و تطبیق موضوعات مختلف، مبتنی بر برداشتن بدون هیچ تعصبی قول راجح را انتخاب کرده‌ایم. شایان ذکر است ما به هیچ مذهبی تعصب نداشته و آزادانه و بنا به دلیل گاه ممکن است پیرامون مسأله‌ای طبق مذهب حنفی فتوا دهیم و گاهی نیز طبق یکی از سایر مذاهب چون: مالکی، شافعی، حنبلی و مذهب سفیان، اوزاعی، ابو عبید و سایر مذاهب قبل و بعد آن‌ها فتوا صادر نماییم. گاهی نیز ممکن است فتاوی تمامی این مذاهب را ترک کرده و به قولی صحیح که از یک صحابی یا تابعی نقل گردیده عمل کنیم.

بدیهی است این روش آنگونه که برخی ادعا می‌کنند «تلفیق» به شمار نمی‌آید بلکه این منهج در واقع پیروی از دلیل و برهان در موقعیتهای مختلف است. برای یک دانشمند دینی جایز نیست که خویشتن را جز به نصوص صحیح و هدایتگر قرآن و سنت مقید نماید. از ابن عباس و عطاء و مالک و غیره نقل شده که گفته‌اند: «از میان سخنانی که توسط انسانها مطرح می‌شود هر سخنی جز کلام رسول اکرم ﷺ را می‌توان پذیرفت یا رد کرد».^۱

بدین ترتیب وقتی نگارنده طی تحقیقات خویش متوجه شده‌ام که قولی مهجور و غیرمشهور بر رأی مشهور علما راجح است همان را پذیرفته و از قول مهجور اعراض ننموده‌ام. زیرا معتقد همیشه حق با اقلیت نیست؛ و البته اقلیت نیز همواره در اشتباه به سر نمی‌برد. چه بسیار آرائی که هرچند تنها یک فقیه بدان معتقد بوده اما براهین عقلی و نقلی آن را تأیید کرده و مبتنی بر دلیل، حجت قرار گرفته است. ناگفته نماند که این اتفاق بسیار نادر است و به ندرت ممکن است به وقوع بپیوندد اما به هرحال ما (هنگامه‌ها) را راجح بیابیم هرچند تنها یک فقیه بدان فتوا داده باشد، همان را ترجیح می‌دهیم (و از عواید آن شکر می‌داریم).

چرا باید از عواقب چنین اقدامی هراس داشته باشیم درحالی‌که در تاریخ، بزرگانی از ائمه‌ی دین را سراغ داریم که به تنهایی بر اساس و اندیشه‌ی خویش مصمم بوده و مخالفت تمامی مردم آن‌ها را از این امر باز نداشته است؟!

ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرماید: چه بسا حکم‌هایی ریشه‌ای در قرآن و سنت نداشته باشد اما به همین حکم تمامی مردم معتقد بوده و بسند عقلی می‌کرده باشند. میراث بردن خواهر از برادرش با وجود اینکه از وی (برادرش) دختری به جای مانده از جبهه‌ی این احکام است.^۲ بدون تردید اینکه تمامی مردم بر امری معتقد باشند، دلیل بر صحت آن نیست.

امام مالک پیرامون شفعه در «ثمار»^۳ فتوایی منحصر به حدیث اسناد می‌کند و می‌گوید: «این حکمی است که نه تنها تا کنون نشنیده‌ام بلکه سراغ ندارم که احدی بدان فتوا داده باشد».^۴

تمامی پیشوایان فقهی ما بی‌محابا آرا و اندیشه‌هایی منحصر به فرد داشته‌اند که قبل و بعد آن‌ها کسی به طرح آن نپرداخته است.

مفردات (یا آرای فردی و انحصاری) موجود در مذهب امام احمدین دلیل بر کجایی خاصی گردآوری شده است.

۱. رافعی با این سخن گروه مذکور را به سخره گرفته و اندیشه‌ی آنان را زیر سؤال برده است.

۲. مستدرک، حاکم، کتاب الفرائض (۴ / ۳۷۴) حاکم این حدیث را از ابن عباس روایت کرده و آن را صحیح الاسناد دانسته و گفته است شیخان آن را روایت نکرده‌اند. ذهبی نیز قول وی را تأیید کرده است، الأحکام فی اصول الأحکام، ابن حزم، ص ۵۴۱.

۳. امام مالک حق شفعه را در میوه‌ها (ثمار) نیز معتبر دانسته و می‌گوید: الشفعة واجبة فی الأرض وحدها و فی الأرض لما فیها من بناء أو شجر نابت أو فی الثمار التي فی رؤس الشجر و إن بیعت دون الأصول (نکت: المحلی، ج ۹، ص ۱۸۳). (مترجم).

۴. الاحکام، ابن حزم، ص ۵۴۲.

اصول کلی تحقیق جهت انتخاب، ترجیح و استنباط احکام:

در این تحقیق جهت انتخاب حکم و یا ترجیح حکمی از احکام اختلافی و همچنین استنباط احکام، از اصول و قواعدی به شرح ذیل پیروی می‌کنیم. این اصول عبارتند از:

۱- عمل به عموم نص مادامی که تخصیص نیافته باشد:

بسیاری از نصوص دینی با الفاظ عام صادر گردیده تا جزئیات و مصادیق فراوانی را دربرگیرد. این همان از جاودانگی دین مبین اسلام است که موجب گردیده در تمامی دورانها و اماکن مختلف کارساز بوده و استخراجه نیازهای بشری باشد.

زمانی که به نصی صریح و صحیح مبنی بر تخصیص الفاظ عام در قرآن و سنت دست نیافته‌ایم، موظفیم همان عمومیت آن را مورد توجه قرار دهیم و بدان عمل کنیم. البته زمانی که نصی صریح و صحیح عام است و سنت را تخصیص دهد دیگر خاص بر عام مقدم می‌گردد و ضرورت پیدا می‌کند که به خاص عمل کنیم نه به عام.

برخی با استناد به ظاهر و الفاظ عام قرآنی درصدد مردود شمردن احادیث متقن و صحیح برمی‌آیند و برخی دیگر نیز با استناد به حدیثی که یا در سند مشکل دارد و یا در دلالت آن ابهام و ضعف است تلاش می‌کنند عام را بر آن و سنت را تخصیص دهند. بدون تردید هر دو گروه مذکور در اشتباهند و به بیراهه می‌روند.

(ما در این تحقیق آزادانه و مبتنی بر برهان و رائی از بزرگان و حتی پیشوایان مذهبی را می‌پذیریم و گاهی نیز از پذیرفتن برخی از این اجتهادات استکفاف می‌ورزیم).

به‌عنوان مثال: امام ابوحنیفه (رح) با استناد به آیه

﴿مِمَّا أُخْرِجْنَا لَكُمْ مِنْ الْأَرْضِ﴾^۱

(بقره: ۳۶۷)

و حدیث (فیما سقت السماء العُشر)^۲ حدیثی که رسول اکرم ﷺ فرموده است: (لیس فیما دون خمسة أوسق من التمر صدقة)^۳ را رد کرده و به عموم آیه و حدیث خود عمل کرده است. نگارنده (مؤلف) معتقد است: حدیث اخیر صحیح و متفق علیه است و رد کردن آن مجاز نمی‌باشد. در این مورد صاحبین^۴ و جمهور نیز خلاف ابوحنیفه فتوا داده و نصاب را در حد پنج اوسقین می‌روید

۱. و از آنچه از زمین برای شما بیرون آوردیم (اتفاق کنید).

۲. به هر آنچه (از محصولات زراعی) که توسط آب باران آبیاری می‌گردد عُشر تعلق می‌گیرد. (در ادامه سند این حدیث را متذکر می‌شویم).

۳. در کمتر از ۵ وسق خرما زکات تعلق نمی‌گیرد. سند کامل این حدیث را در صفحات قبل بیان کردیم.

۴. مراد از صاحبین؛ امام ابویوسف و امام محمد شیبانی هستند که از جمله‌ی یاران نزدیک و شاگردان ابوحنیفه بوده‌اند.

(مترجم)

معتبر دانسته‌اند. ناگفته نماند برخی حدیث اخیر را این‌گونه توجیه کرده‌اند که مراد از آن مقدار خرمایی است که مالک به قصد تجارت نگهداری می‌کند و لذا در این مقدار (کمتر از ۵ وسق) از خرما زکات تعلق نمی‌گیرد. پرواضح است این توجیهی ضعیف و نابخردانه است که در مورد حدیث ارائه شده و حقیقت آن است که همان‌گونه که جمهور و صاحبین معتقدند باید نصاب را در محصولات زراعی نیز معتبر بدانیم و حدیث مذکور را به‌عنوان مخصص آیه و حدیث قبل بپذیریم. در موضوعی دیگر امام ابوحنیفه با استناد به همان آیه و حدیثی که قبلاً مطرح کردیم فرموده است: نمی‌توان حدیث (لیس فی الخضروات صدقة)^۱ را تخصیص‌دهنده‌ی این نصوص دانست زیرا این حدیث ضعیف است و از چنان یگانه‌ی برخوردار نیست که بتواند آیه‌ی ۲۶۷ سوره‌ی بقره و حدیث (فیما سقت السماء العشر)^۲ را مخصص دهد. نگارنده با کمال اطمینان فتوای این امام بزرگوار را مبنی بر عمل به عموم آیه و حدیث مذکور می‌پذیرم و معتقدم ایشان در این فتوا ره صواب پیموده است. البته باید توجه داشت که می‌توان حدیث (لیس فی الخضروات صدقة)^۳ را این‌گونه توجیه کرد که: چون تره‌بار زود فاسد می‌گردد و امکان گزینی در خزانه‌ی بیت‌المال نیست به‌گردآورندگان زکات دستور داده شده که از جمع‌آوری آن خودداری کنند. پس می‌استدلال می‌شود که توجیه تنها از حدیث استنباط می‌شود که زکات این نوع محصولات به خزانه‌ی بیت‌المال منتقل نشود و لذا حتی با استناد به حدیث مذکور نمی‌توان نتیجه گرفت که به کلی زکات از این محصولات (تره‌بار) برداشته شده است.

مادامی که دلیلی صحیح و صریح مبنی بر تخصیص الفاظ عام در قرآن و سنت در دست نداریم نمی‌توانیم عموم این نصوص را تخصیص دهیم. **«اوند تعالی فرموده است:**

﴿خذ من أموالهم صدقة﴾

«(ای پیامبر!) از اموالشان زکات بگیر.»

و فرموده:

۱. به تره‌بار زکات تعلق نمی‌گیرد. (در ادامه سند این حدیث را متذکر می‌شویم).
۲. بخاری (۱۴۸۳) و ابوداود (۱۵۹۶) و ترمذی (۶۴۰) و نسائی (۲۴۸۸) و ابن ماجه (۱۸۱۷). این حدیث را بخاری از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است.
۳. الاوسط، طبرانی (۶ / ۱۰۰) و المسند، بزاز (۳ / ۱۵۶). بیهقی در «مجمع الزوائد» (۳ / ۲۰۹) می‌گوید: طبرانی و بزاز این حدیث را روایت کرده‌اند اما در سلسله‌ی سندی آن حارث بن نبهان به چشم می‌خورد که متروک است هر چند ابن عدی وی را توثیق کرده است. ترمذی همین حدیث را از معاذ این‌گونه روایت کرده است: «أنه كتب إلى رسول الله ﷺ يسأله عن الخضروات و هي البقول فقال: ليس فيها شيء». (ترمذی، کتاب الزکاة ۶۳۸). در ادامه ترمذی متذکر شده که اسناد این حدیث صحیح نیست و اصلاً در این باب از رسول خدا ﷺ حدیث صحیحی روایت نشده، و آنچه روایت شده به‌طور مرسل توسط موسی بن طلحه از ایشان نقل شده است.

﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ﴾

«همان کسانی که در دارائی ایشان سهم مشخصی است.»

و رسول او نیز فرموده است: (أَدُوا زَكَاتَ أَمْوَالِكُمْ)^۱ «زکات اموال خویش را ادا کنید (بپردازید).
پرواضح است در دو آیه و حدیث فوق لفظ اموال به صورت عام آمده و میان مالهای مختلف تفکیکی صورت نگرفته است.

بر همین اساس ما نیز عموم این نصوص را ملاک قرار داده و معتقدیم به تمامی اموال زکات تعلق می‌گردد، مگر اینکه دلیلی صریح و صحیح اموالی از آن میان را استثنا کند.

۲- اجرام به اجماع یقینی:

اتفاق میان امت اسلامی شرعی به ویژه در قرون اولیه‌ی اسلامی دلیلی است آشکار بر اینکه آنان به برهانی صریح و صحیح شامل نص یا مصلحت (معتبر یا مرسله) و یا امری محسوس متکی بوده‌اند (و پشتوانه‌ی علمی متکی داشته‌اند). بنابراین ضروریست که چنین اجماعی مورد احترام قرار گیرد تا اجماع در احکام شرعی جایگاه خویش را حفظ کند و هنگام لزوم، ضمن برقراری توازن، اضطرابات فکری و تشویشهای هنر را رفع گردد.

از جمله مواردی که توسط علمای اسلامی به اموزن آن اجماع صورت گرفته می‌توان به اجماع آنان بر وجوب زکات در طلا به همان نسبت زکات مسکوکات، یعنی $\frac{۱}{۲۰}$ و اجماعشان بر اینکه هر مثقال برابر با $\frac{۱۳۳}{۷}$ درهم است و غیره اشاره کرد.

علت اینکه گفتیم «اجماع یقینی» بدان سبب است که در مسائلی چند، برخی ادعای اجماع کرده‌اند درحالی که خلاف آن نیز ثابت شده و علمایی در رد آن دستاورد داده‌اند.

علت این اختلاف آن است که علما و مجتهدین در قرون اولیه‌ی اسلامی در سرتاسر مناطق و بلاد متفرق بوده و تعداد آنان به قدری زیاد بوده که دستیابی به اجماع و استاواشان در هر مسأله‌ی اجتهادی دشوار بوده است. بر همین اساس امام احمدبن حنبل می‌گوید: هر آنس که مدعی اجماع (در مسأله‌ای) گردد به اشتباه رفته، زیرا چه بسا در آن مسأله (میان علما) اختلاف صورت گرفته باشد اما وی از این اختلاف بی‌خبر باشد! بنابراین پیرامون چنین مسائلی باید گفت: «مجموعه‌ای که در این

۱. مسند احمد (۲۲۱۶۱). احمد این حدیث را از ابوامامه روایت کرده و تخریح کنندگان این حدیث گفته‌اند: اسناد آن بنا بر شرط مسلم صحیح است. ترمذی نیز در کتاب السفر (۶۱۶) این حدیث را روایت کرده و آن را «حسن صحیح» دانسته است. ابن حبان در کتاب السیر، باب طاعة الأئمة (۴۵۶۳) و حاکم در مستدرک، کتاب الإیمان (۱ / ۵۲) نیز این حدیث را روایت کرده‌اند. حاکم گفته است: این حدیث بنا بر شرط مسلم صحیح است و علت (و نقصی) در آن سراغ نداریم هر چند شیخان آن را روایت نکرده‌اند. ذهبی نیز قول حاکم را تأیید کرده است. دارقطنی نیز در کتاب «السنن»، کتاب الحج (۲ / ۲۹۴) این حدیث را نقل کرده است.

مسئله میان علما اختلافی صورت گرفته باشد اما با این وجود احتمال دارد من بی‌خبر باشم (و واقعاً این مسئله مورد اتفاق علما نبوده باشد).

چه بسیاری مسائل که در آن ادعای اجماع شده و یا به طور قاطع ادعا شده که در آن اختلافی وجود ندارد اما با این وجود دیری نپاییده که ثابت گردیده مسأله‌ی مذکور مورد اتفاق علما نیست و در آن اختلاف وجود دارد.

به‌عنوان مثال امام شافعی رحمته‌الله می‌فرماید: از هر ۳۰ گاو یک تبیع و از هر ۴۰ گاو باید یک مسنة^۱ را زکات داد. در این مسئله میان علما اختلافی وجود ندارد. این درحالی است که از جابرین عبدالله و یحیی بن مسیب و قتاده و فرمانداران و نمایندگان ابن زبیر در مدینه و غیره خلاف این فتوا ثابت گردیده (و امام شافعی از آن بی‌خبر بوده است).^۲

همچنین امامان مندر نقل کرده که در اینکه دادن زکات به غیرمسلمین جایز نیست میان علما اجماع صورت گرفته است. در حالی که کسانی دیگر از زهری، ابن سیرین و عکرمه خلاف آن را نقل کرده‌اند و روایاتی از عمر فاروق رضی‌الله‌عنه از حاکمی از آن است که ایشان نیز همچون زهری و غیره معتقد بوده که دادن زکات به غیرمسلمین جایز است.^۳

این قدامه در «المغنی» رحمته‌الله اتفاق نظر دارند که دادن زکات به بنی‌هاشم جایز نیست. ابن حجر عسقلانی سخن وی را در کتاب خود «الفتح الباری» نقل کرده و در حاشیه‌ی آن می‌نویسد: این قدامه چنین ادعایی کرده که طبری نقل کرده که ابوحنیفه معتقد بوده است دادن زکات به آن‌ها جایز است. همچنین نقل کرده که ایشان گفته است: چنانچه بنی‌هاشم از سهم «ذوی‌القربی»^۴ محروم شوند جایز است که به آن‌ها زکات داده شود. طحاوی نیز این مورد را نقل کرده و برخی از مالکیه نیز آن را از ابهری نقل کرده‌اند. ابن سیرین رضی‌الله‌عنه نیز این‌گونه فتوا داده‌اند و از ابویوسف نیز نقل شده که فتوا داده است: اخذ زکات از بنی‌هاشم و سب آن میان افرادی از خودشان جایز است. از مالکیه نیز پیرامون این مسأله چهار فتوای مشهور نقل کرده که بدین شرح است: برخی به کلی آن را جایز دانسته و برخی دیگر به عدم جواز آن فتوا داده‌اند. گروهی نیز گفته‌اند صدقات مستحبی را می‌توان به آن‌ها بخشید اما اعطای صدقات مفروضه چون زکات به آن‌ها جایز نیست و عده‌ای نیز عکس این فتوا داده‌اند...^۵

۱. در میحث زکاة‌گوار عبارت تبیع و مسنة توضیح داده شده است. (مترجم)

۲. الأحکام، ابن حزم.

۳. برای تفصیل بیشتر به فصل نهم بخش موارد مصرف زکات، مبحث «دادن زکات به غیرمسلمانان» از همین کتاب مراجعه کنید.

۴. به عنوان مثال امروزه دیگر غنیمی نیست که سهمی از آن به بنی‌هاشم و فرزندان عبدالمطلب اختصاص یابد و لذا آنها از این سهم محروم‌اند. (مترجم)

۵. نک: فتح الباری، ج ۳، ص ۲۲۷. برای تفصیل بیشتر به فصل نهم، بخش موارد مصرف زکات، از همین کتاب مراجعه کنید.

مخالفت ورزیدن با چنین فتاوایی که تحقق اجماع در آنها ادعایی بیش نیست اگر مبتنی بر دلیل و برهان باشد هیچ اشکالی ندارد زیرا در حقیقت پیرامون آن اجماع صورت نگرفته است. بدیهی است اگر اجماعی صورت پذیرد که هیچ اختلافی در آن وجود نداشته باشد - علی‌رغم اینکه بحث هست که آیا اصلاً تحقق چنین اجماعی امکان‌پذیر است یا خیر - ما به هیچ وجه باتوجه به اعتباری که برای آن قایل شدیم با آن مخالفت نخواهیم ورزید و در برابر آن سر تسلیم فرود خواهیم آورد. در این کتاب ما از چنین اجماعی تعبیر به «اجماع یقینی» نموده‌ایم.

یکی از علمی‌اصولی می‌گوید: هرگاه دانشمندانی در یک عصر پیرامون حکم مسأله‌ای، تنها دو فتوا متفاوت صادر کنند و اختلاف آن‌ها منحصر در همان دو فتوا باشد سایر علما و دانشمندانی که در دوره‌های بعدی با هر عرصه علم و اجتهاد می‌گذارند حق ندارند فتوای سومی را مطرح کنند، زیرا در حقیقت علمای دوره‌های بعدی بر عدم جواز صدور فتوا یا قولی سوم اجماع نموده‌اند. ما چنین اجماعی را نمی‌پذیریم و با آن مخالفیم.

«آمدی» نیز در این مورد در بیان آن‌ها چنین می‌نویسد: «آنچه را که در دو فتوای مذکور مورد اتفاق بوده را زایل کند ناجایز است. اگر از جهاتی موافق با قول اول و از جهاتی دیگر موافق با قول دوم باشد این جایز است زیرا منجر به ختم اجماع نمی‌گردد.^۱

به‌عنوان مثال ابوحنیفه می‌فرماید: «عشر بر عهده‌ی مالک زمین است در حالی که جمهور معتقدند برعهده‌ی مستأجر^۲ است. آنچه مورد اتفاق جمهور و شخص ابوحنیفه است این است که عشر واجب است. بنابراین اگر ما فتوا دهیم که برعهده‌ی مستأجر است که پس از پرداخت اجاره‌بهای زمین به مالک، عشر باقیمانده‌ی محصول را بپردازد و بر مالک نیز عشر است که زکات آنچه از (مزد یا) اجاره‌بها را که از مستأجر اخذ کرده بپردازد، بنا به قول «آمدی»، خلاف اجماع بوده و خرق اجماع نموده‌ایم. از میان دانشمندان اسلامی کسانی هستند که می‌گویند: اختلاف بین فتوا پیرامون یک مسأله، خود دلیل جواز اجتهاد در آن است و قول یا فتوای سوم نیز زائیده‌ی آن است. در میان تابعین کسانی بوده‌اند که پیرامون مسائلی این‌گونه قول و فتوای سومی را مطرح کرده‌اند که حتی صحابه پیش از آن بدان اشاره نکرده‌اند. تا زمانیکه مسأله‌ی موردنظر ما از جمله‌ی مسائل اجتهادی باشد مجال اجتهاد و اظهارنظر در آن وجود داشته باشد نه تنها چنین اقدامی پیرامون آن هیچ اشکالی ندارد، بلکه پسندیده است. از ابن سیرین و مسروق^۳ و غیره روایاتی حاکی از این موضوع روایت شده است.

۱. نکت: الأحکام، آمدی، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۷.

۲. کسی که زمینی را به اجاره گرفته تا در آن کشت و زرع کند. (مترجم)

۳. نکت: الأحکام، آمدی، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۷.

۳- اعمال قیاس صحیح:

قیاس عبارت است از سرایت دادن حکم چیزی به (موردی) همانند آن به دلیل علت مشترکی که میان آن دو وجود دارد. به تعبیر دیگر قیاس از جمله‌ی اموری است که خداوند آن را در عقل و سرشت انسانی به ودیعت نهاده است. خداوند متعال در کتاب جاوید خویش فرموده است:

﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ﴾ (شوری: ۱۷)

«خداست که کتاب (قرآن) را نازل کرده که مشتمل بر حق و حقیقت است و معیار و میزان ایجاد کرده است.»

﴿وَإِن كُنَّا لَبِالْآيَاتِ لَسُلْطَنًا مُّزْمِنًا وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)

«ما بی‌غمبراهیم و با آن کتاب ای (مومنان) و قوانین و موازین (شناسایی حق و عدالت) نازل نموده‌ایم تا مردم (برای خود) دادگرانه رفتار کنند.»

بر همین قیاس ابن قیم قیاس از جمله‌ی «میزانی» دانسته که خداوند در قرآن از آن یاد کرده و آن را قرین و معاون کتاب خویش قیاس می‌داند. «میزان» در این آیات به معنی عدل و یا وسیله‌ای برای شناخت عدل و غیر آن آمده است. شایسته‌تر آن است که قیاس صحیح را به همان نامی که خداوند متعال بر آن گذارده یاد کنیم زیرا علی‌رغم نام قیاس که دربرگیرنده‌ی مصادیقی چون: قیاس حق و باطل و قیاس ممدوح و مذموم و قیاس صریح و کسب است این نام (المیزان)، اسم مدح است و در هر حال بر هر کس واجب است که بر حسب امکان آن را عمل سازد. بدین ترتیب قیاس صحیح «در واقع همین «میزانی» است که خداوند در کتاب خویش از آن یاد کرده است»^۱.

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌فرماید: «قیاس لفظی مجمل است که هم قیاس صحیح و هم قیاس فاسد را دربرمی‌گیرد. قیاس صحیح که ریشه‌ی شرعی دارد عبارت است از همان «میزان»^۲ و تعیین تفاوت میان دو امر مختلف که مورد اولی را قیاس طرد و دومی را قیاس کسب می‌گویند... قیاس صحیح برگرفته از همان عدلی است که خداوند متعال پیغامبرش را با آن مبعوث کرد».

هرگاه همان علتی که حکم در «اصل» بدان تعلق گرفته در فرع نیز بدون معارضی که مانع حکم گردد وجود داشته باشد قیاس صحیح، تحقق می‌پذیرد و شریعت مقدس هیچ مخالفتی با این‌گونه

۱. در امر یا مسأله‌ی همانند. (مترجم).

۱. اعلام الموقعین، ج ۱، ص ۱۳۳.

قیاس ندارد. همچنین هرگاه میان دو صورت، تفاوتی که مؤثر در فرع باشد وجود نداشته باشد بدان «قیاس بالناءالفارق»^۱ اطلاق می‌گردد و شریعت با چنین قیاسی هم مخالف نیست»^۲. در نتیجه هرگاه پی ببریم که علت موجود در قیاس ما میان «اصل» و «فرع» مشترک است و ضمن عدم تفاوت نهانی یا ظاهری میان آندو معارضی معتبر نیز خلاف آن یافت نمی‌شود، ضرورت پیدا می‌کند که چنین قیاسی را به‌عنوان دلیلی شرعی بپذیریم.

باید برخی اعتراض کنند که: همانا زکات از احکام عبادی است و در امور تعبدی مجالی برای قیاس وجود ندارد. آری! ما هم می‌پذیریم که در اموری که تعبدی خالص هستند قیاس جایگاهی ندارد زیرا اصل در آنها امتثال بی‌چون و چرا از فرامین خداوندی است و بشر نمی‌تواند به طور تفصیلی به درک علت آن‌ها عمل آید. اما به‌عنوان مثال در اعمالی چون نماز، روزه و حج که تنها جنبه‌ی عبادی دارند نباید قیاس صورت گیرد زیرا ممکن است این کار به تشریح اموری منجر گردد که ریشه‌ی الهی نداشته و خداوند در مجال بی‌م انجام آن دستور نفرموده است.

اما باید توجه داشت که زکات حکم عبادی محض نیست بلکه جزوی از نظام مالی، اجتماعی و اقتصادی دولت است که جنبه‌ی عبادی نیز دارد. زکات؛ میزان مالیاتی مشخص و مقدار مال تعیین‌شده‌ای است (که خداوند آن را مقرر و تعیین نموده است). فلسفه‌ی تشریح زکات و احکام آن که جنبه‌ی عمومی دارد بسیار مبرهن و واضح است. لذا چرا نباید آنچه در علت با احکام منصوص مشترک است را بدان قیاس نکنیم؟

رسول اکرم ﷺ زکات فطر را در برخی حالات و مسایفها چون جو، خرما و کشمش تعیین و دریافت می‌نمود اما امام شافعی و احمد و پیروانشان در مسئله قیاس کرده و طبق آن فتوا دادند که زکات فطر را از آنچه خوراکی است یا غذای مرسوم و عالی‌تر است یا به است و یا غذای متداول یک شخص است نیز می‌توان اخذ کرد. بدیهی است این بزرگان نگفتند که رسول اکرم تنها جو و خرما و کشمش را به‌عنوان زکات فطر تعیین نموده پس باید حتماً همین محدودت را به‌عنوان فطره تعیین کرد و قیاس در آن ممنوع می‌باشد. همچنین جمهور علما پیرامون زکات برخی میوه‌ها و محصولات زراعی به قیاس متوسل شده‌اند و تنها به اینکه در احادیث نبوی از آنها جو، خرما و کشمش سخن گفته شده اکفا نکرده‌اند.

هنگامی که عمر فاروق رضی الله عنه پی برد که اسبهایی هستند که قیمتشان معادل قیمت ۱۰۰ شتر می‌باشد فرمود: چگونه از هر ۴۰ گوسفند زکات اخذ نمایم اما به اسبها هیچ زکاتی تعلق نگیرد؟!

۱. قیاس مذکور درست نقطه‌ی مقابل قیاس مع الفارق می‌باشد. (مترجم)

۲. رساله‌القیاس، ابن تیمیه، مطبعة السلفية، ۱۳۷۵ هـ.

در این مسأله که به زکات مربوط است و ابوحنیفه نیز تحت شرایطی آن را پذیرفته، در واقع عمر فاروق رضی الله عنه قیاس کرده است و گفته شده ایشان اولین کسی بوده که در احکام مربوط به زکات قیاس را معتبر دانسته است.^۱ بر همین اساس ما ساختمانهای استیجاری و مانند آن را به زمین زراعی و حقوقها و دستمزدها را به عطایایی^۲ که ابن مسعود و معاویه و عمر بن عبدالعزیز - در عین حال که مصارف عمومی داشت - در آن زکات مقرر کرده بودند، قیاس می‌کنیم. همچنین ابریشم و سایر فرآورده‌های حیوانی چون لبنیات را به غسل قیاس می‌کنیم که نصوصی مبنی بر تعیین عشر پیرامون آن یاد نگارده است.

بر اثبات اهمیت قیاس همین بس که امام شافعی رحمته الله علیه در مورد زکات طلا فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سکه‌های نقره زکات را فرض نمود و مسلمانان نیز پس از آن یا به استناد حدیثی که ما به آن دست یافته‌ایم، یا با قیاس اینکه طلا نیز همچون نقره از جمله‌ی چیزهایی است که قبل و بعد از اسلام مسلمانان بر روی زمینهای مختلف متداول بوده و همگان ضمن به رسمیت شناختن آن به عنوان پول، به جمع‌آوری و انباشتن آن می‌پرداخته‌اند؛ زکات را در آن ضروری و واجب دانستند.^۳ اخذ زکات از سکه‌ها و طلا، مستوانه‌ی جهانی پول در بیشتر بلاد به شمار می‌آید امر آسانی نیست اما با این وجود پس از رسول صلی الله علیه و آله مسلمانان به احتمال قوی با استناد به قیاس و عمل بدان، این کار را انجام دادند. نباید فراموش کرد که امام شافعی متذکر شده است این احتمال هم می‌رود که آن‌ها حدیثی از رسول اکرم در این زمینه در دسترس داشته‌اند اما ایشان خود متذکر شده که هر چه جست‌وجو کرده چنین حدیثی را نیافته‌اند است. امام بخاری و مسلم و مالک نیز چنین حدیثی را روایت نکرده‌اند.

امام مالک با استناد به عمل (اهل مدینه) می‌فرماید: «اینکه همانگونه که به صد درهم از نقره زکات تعلق می‌گیرد به ۲۰ دینار از طلا نیز زکات تعلق می‌گیرد مگر ما اختلافی وجود ندارد. جالب توجه اینکه امام مالک در این فتوا به عمل اهل مدینه استناد کرد. حدیثی در این مضمون وجود می‌داشت حتماً بدان اشاره می‌کرد.

۴- توجه به مقاصد و مصالح شرعی:

اندیشمندان و پژوهشگران اسلامی برآنند که تمامی احکام شرعی دربرگیرنده‌ی مصالحی است که برای زندگی اخروی یا دنیوی بشریت ضرورت دارد و یا در سامان بخشیدن و رفع معضلات بشر

۱. در مباحث مربوطه به تفصیل پیرامون این موضوع توضیح خواهیم داد.

۲. مراد از عطایا همان حقوق و معاشی می‌باشد که به طور منظم از بیت‌المال برداشت می‌شد و مصروف لشکریان اسلام و مانند آنها می‌گردید. در فصل نهم به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است. (مترجم)

۳. الرسالة، ص ۱۹۴-۱۹۳.

کارساز است. امام شاطبی می‌فرماید: «اگر در احکام شرعی و ادله‌ی کلی و جزئی آن تتبع کنیم مشاهده خواهیم کرد که دارابودن مصالح بشری، محدود به نص یا واقعه‌ای خاص نمی‌گردد بلکه تمامی دین و احکام دینی در برگیرنده‌ی مصالحی برای بشریت است»^۱.

ایشان می‌گوید: «اصل در عبادات، بندگی خالص از سوی مکلفین و عدم توجه به معانی است اما اصل در عادات یا معاملات توجه به معانی و مفاهیم است»^۲. البته شاطبی برای اثبات این مدعا براهینی روشن ارائه داده که مجال ذکر آن نیست.^۳

باری بگردیم؛ اگر بپذیریم که هر چند زکات در ردیف نماز و از جمله‌ی عبادات مطرح می‌گردد اما در حقیقت این ریزه‌ی دینی یک عبادت محض نیست بلکه جنبه‌ی معاملاتی نیز دارد. زکات از زمره‌ی امور مالی مسلمین است که تا حد زیادی به رابطه‌ی میان دولت و صاحبان سرمایه و همچنین رابطه‌ی میان صاحبان سرمایه با فقرا در صورت فقدان دولت مربوط می‌گردد. دلیل بر این مدعا اینکه در کتب فقه مالی و ادب اسلامی زکات در خلال مباحث و عناوینی چون: خراج، اموال، احکام حکومتی و سیاست اجتماعی که در تکیه بر قیود و نظام دولت اسلامی به شمار می‌آید، مطرح می‌شود. چنانچه قصد آن کنیز که در کتاب فقهی به شکل نوین بپردازیم؛ هر آینه ضروری خواهد بود که زکات را از جمله‌ی احکام سیاسی و اجتماعی بشماریم و از ذکر آن در خلال احکامی که جنبه‌ی عبادی محض دارند اجتناب کنیم. بی‌شک این اندیشمندان و روشنفکران اسلامی نیز زکات را از جمله‌ی احکام مالی و اجتماعی به شمار آورده‌اند.

بدیهی است با تمام این وجود نمی‌توان جنبه‌ی عبادی زکات را نادیده گرفت. امام شاطبی می‌گوید: هر آنچه از آداب و رسوم انسانی که دارای جنبه‌ی تنبیهی باشد ناچار باید مبتنی بر نصوص دینی و طبق دستورات شرع با آن برخورد کنیم. به‌عنوان مثال آنچه در ازدواج و ذبح کردن حیوان حلال گوشت از ناحیه‌ای خاص و میزان مشخص میراث و همچنین تقاضای مهریه که یک زن پس از طلاق یا وفات شوهرش باید عده بگذراند از این جمله امورند (که بایستی به نصوص دینی و شرعی توجه گردد).

نگارنده معتقدم مقادیر زکات و نصابهای تعیین شده برای آن نیز از این دسته امورند، زیرا شریعت مقدس برای آن‌ها ضوابط و حدودی را تعیین نموده و مسلمانان نیز در تمامی امور و اعصار بر آن

۱. المواعظ، ج ۲، ص ۵۱. ۲. همان، ص ۳۰۰.

۳. به عنوان مثال ایشان متذکر می‌شود که چون هدف شارع در عبادات صرف تعبد است ما نمی‌توانیم علت خاصی برای انجام این طیف از اعمال جست‌وجو کنیم و مثلاً تبیین نماییم که چرا باید در رکوع، «سبحان ربی العظیم» گفت در حالی که در سجده ذکر دیگری دیگر گفته می‌شود؟ یا نمی‌توانیم توجیه کنیم که به چه دلیل تبسم با خاک در مواقعی قائم مقام وضو و غسل شده درحالی که با خاک طهارت و پاکی از نوع طهارت با آب حاصل نمی‌شود و... این در حالی است که در منظر شارع اصل در عبادات (معاملات) اتباع معانی (و مد نظر قرار دادن مصالح) است و بر همین اساس مهم هست که گاه شارع در جایی که در آن مصلحتی نیست حکم به جواز حکمی نمی‌دهد اما وقتی در همان مورد مصلحتی دیده می‌شود پیرامون مورد مذکور حکم به جواز صادر می‌کند. (مواظات، شاطبی، ج ۲، ص ۳۰۵). (مترجم)

اجماع کرده‌اند. برخی بر آنند که حتی در نصابها و مقادیر زکات نیز تجدیدنظر کنند و متناسب با موقعیتها و زمان و مکان مختلف با این توجیه که «باید مقاصد و مصالح را مدنظر قرار داد» در آن تغییر و تحول ایجاد نمایند. ما با این بینش مخالفیم زیرا این اقدام منجر به از بین رفتن آثار زکات و تبدیل آن به مالیاتی غیردینی - همچون سایر مالیاتهایی که در زمینه‌های مختلف توسط حکومتها بر شهروندان تحمیل می‌گردد - می‌شود.

خاصه:

عام شرعی مبتنی بر جلب مصالح و دفع زیانها و مفاسد از مردم است. امام مالک و یاران ایشان مصلحت مرسله را (به‌عنوان اصلی فقهی) پذیرفته و عمل بدان را همچون عمل به «سد ذرایع» و «سد مسالمت» برای این خود پشتوانه‌ای برای اصل مذکور است.^۱

بسیاری از حنابلین دیدگاه را پذیرفته و شیخ‌الاسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم هم در آثار خویش این ایده را ترویج کرده و در اصل مذکور را به‌عنوان اصولی فقهی، معتبر و شرعی دانسته‌اند. بر همین اساس علمای حنابلین در کتاب خود بحثی را به تغییر فتوا، متناسب با زمانها، مکانها، موقعیتها و مقاصد مختلف اختصاص داده که بسیار زیبا و جذاب است. ایشان در مقدمه می‌گویند: «این موضوع (تغییر فتوا) از اهمیت شایسته برخوردار است تا گاه به دلیل عدم آگاهی نسبت به این موضوع اشتباهاتی در صدور و بیان احکام دینی مرتکب می‌گردند که منجر به ایجاد مشقتها و مشکلاتی برای مردم (مسلمان) می‌گردد. بدیهی است شریعت مقدس و روشنگر خداوندی بر حکمتها و مصالحی مبتنی گشته که از ضروریات زندگی دنیوی یا اخروی انسان است. و لذا سرتاسر آن را عدل و حکمت و رحمت و مصلحت تشکیل می‌دهد. بدون تردید هرگاه مسأله‌ای بر عدل و رحمت و از رحمت به نقصت و از مصلحت به مفسدت و از حکمت به عبث (و بیهودگی) گراید دیگران را آلوده‌ی شریعت خارج گشته و حتی با تأویلات مختلف هم نمی‌توان آن را به شریعت نسبت داد. در صورتیکه شریعت الهی (انعکاسی از) رحمت و عدل خداوندی بر بندگان او و سایه‌ای از (الطاف) او بر زمین است. روشن‌ترین و صادق‌ترین براهین حاکی از حقانیت او و رسول اوست. به تعبیری دیگر شریعت الهی برتری است که دانشمندان (و آنانکه چشم بینایی دارند) از تجلی آن بهره می‌برند و هدایتی است که رهپویان با تمسک بدان به رهیافتگان می‌پیوندند».^۲

۱. قرائی می‌گوید: غیر ما به صراحت «مصلحت مرسله» را رد کرده و منکر آن شده‌اند اما در جزئیات (و فروغ) خودشان به مطلق مصلحت استناد و استدلال کرده‌اند و جالب توجه آنکه آنان به صرف مناسبت (موجود) اکتفا کرده و به دنبال پشتوانه و دلیلی برای آن نرفته‌اند و این (درست) همان مصلحت مرسله می‌باشد. (نک: کتاب «مالک» ابو زهره)

۲. اعلام الموقعین، ج ۳، ص ۱۴.

امروزه ضروری است حریصانه و با کمال اشتیاق این سخن ابن‌قیم را آویزه‌ی گوش قرار داده و آن را میان مردم شایع گردانیم. بدون شک خلاف این اندیشیدن در عصر حاضر ناروا می‌باشد. ابن‌قیم رحمته‌الله قاطعانه بر این نکته تأکید می‌ورزید که: فتوا متناسب زمانها و موقیتهای مختلف تغییر می‌یابد اما این بدان معنی نیست که احکام شرعی نیز دستخوش زمان و احوال مختلف باشد. پرواضح است که وحی خداوندی هیچگاه تغییر نمی‌کند و این تنها احکام فقهی، فتاوا و قضاوتهای انسانی است که گاه ممکن است بنابه دلایلی متغیر گردد. به‌عنوان مثال عمر فاروق رضی‌الله‌تعالی‌عنه با استناد به اینکه «همانا خداوند صلوات‌الله‌علیه‌وسلم را عزت بخشیده و دیگر نیازی نیست که به افرادی به‌عنوان «مؤلفه قلوبهم»^۱ میزانی از زکات را اختصاص داد» از اعطای زکات به این افراد خودداری کرد. بدیهی است آنگونه که برخی می‌پندارند ایشان تغییر حکم شرعی و یا نادیده گرفتن نص قرآنی نپرداخت، بلکه تنها متناسب با تغییر زمان و مسیبت استوایی دینی تجدیدنظر کرد و فرمود: چون موقیبت مسلمانان و دین اسلام از عهد رسول اکرم صلوات‌الله‌علیه‌وسلم متحول شده پس باید متناسب با آن در فتوا نیز تجدیدنظر کرد و به تغییر آن همت گمارد. عمر فاروق رضی‌الله‌تعالی‌عنه معتقد بود اسلام و حکومت اسلامی در عصر وی نیازی به اینکه با پرداخت مبلغی از ربات، افراد سلاجویی چون عیینة بن حصن و أقرع بن حابس و غیره را با خویش همراه ساخته و دلشان را بدست آورد ندارد و رسول اکرم صلوات‌الله‌علیه‌وسلم نیز برای این افراد چکی (ضمانتی) امضا نکرده که تا پایان عمر (حقوق بجا مانده از جمله «مؤلفه قلوبهم» باقی بمانند.

اینکه چه کسی باید مورد لطف و مدارا قرار گیرد و یا اینکه آیا لازم است به افرادی به‌عنوان «مؤلفه قلوبهم» اموالی را اختصاص داد، در حوزوی اختیاری است، امام یا حاکم اسلامی است و اوست که تشخیص می‌دهد آیا بایستی چنین بودجه‌ای را به این‌گونه افراد اختصاص دهد و یا باید مطلقاً آن را لغو کرده و به مصارفی لازمتر برساند. بنابراین اخذ چنین تصمیمی بحق هر حاکم است و آنگونه که برخی از حنفیه و غیره برداشت کرده‌اند به معنی لغو سهم «مؤلفه قلوبهم» تا ابد نمی‌باشد. همچنین این فتوا آنگونه که برخی از معاصرین پنداشته‌اند منجر به نادیده گرفتن نص قرآنی نمی‌گردد. نه تنها امت اسلامی، بلکه حتی عمر فاروق رضی‌الله‌تعالی‌عنه هم اجازه ندارد نصی از کتاب خداوندی را نادیده بگیرد و بدون شک علت صدور فتوای مذکور توسط عمر رضی‌الله‌تعالی‌عنه آن بوده که جهت رعایت مصالح مسلمین در عصر خویش، دست طمع‌ورزان را از اموال زکات کوتاه کند. این در حالی است که به هنگام لزوم و به مقتضای مصالح اسلامی وی خود برای اعطای چنین مبالغی از زکات به افرادی خاص پیشگام می‌شده و به طور کلی دادن مبلغی از زکات را به افرادی تحت عنوان «مؤلفه قلوبهم» نفی نمی‌کرده است.^۲

۱. به آن دسته از کسانی که در عصر رسول اکرم تازه به اسلام گرویده و هنوز ایمان آن‌ها راسخ نگردیده بود «مؤلفه قلوبهم» می‌گفتند و در آن زمان سعی می‌شد که با پرداخت مبلغی از زکات یا چیزی دیگر دل آن‌ها را بدست آورند. (مترجم)

۲. برای تفصیل بیشتر به فصل «موارد مصارف زکات» مبحث «مؤلفه قلوبهم» از همین کتاب مراجعه کنید.

آنچه از این اقدام فاروق رضی الله عنه می‌توان نتیجه گرفت این است که؛ اولاً: فتوا متناسب با زمان و حالات و موقعیتهای مختلف تغییر می‌یابد و ثانیاً: مصلحت مرسله و سد ذرایع معتبر است و بایستی مورد توجه قرار گیرد.

از دیگر مصادیقی که عمر فاروق رضی الله عنه طی آن به تغییر فتوا همت گمارده می‌توان به موضوع زکات اسب اشاره کرد. گروهی از مردم شام به محضر ایشان رسیده و عرض کردند که می‌خواهند زکات اسبها را خویش را پرداخت نمایند. از آنجا که نه در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نه در عصر ابوبکر رضی الله عنه چنین سبهای اتفاق نیافتاده بود آن بزرگوار در اخذ زکات مردد گردید. سپس آنگونه که در حکایت معا بن جبهه و برادرش آمده ایشان - با استناد به آنچه در مبحث قیاس صحیح متذکر شدیم - فرمود: یا در حالیکه ممکن است قیمت یک اسب معادل ۱۰۰ شتر ماده باشد بدان زکات تعلق گیرد؟! بدین ترتیب آن بزرگوار به منظور رعایت مصالح و مقاصد شرعی و همچنین به قصد برپایی عدل اسلامی دستور فرمود که اسبها نیز زکات اخذ شود.

مثالی دیگر پیرامون موضوع مباحث اینک: روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله معاذبن جبل رضی الله عنه را به یمن فرستاد و به وی دستور فرمود که هر کس را از اغنیا دریافت کند و آن را میان فقرا تقسیم نماید. از جمله توصیه‌هایی که آن حضرت صلی الله علیه و آله به او داد کرد آن بود که زکات هر چیز را از جنس آن دریافت دارد؛ یعنی از دانه (غلة) مقادیری دانه را و از گوسفندان، گوسفند (یا گوسفندانی) را و از میان شترانی که به آنها زکات تعلق گرفته شتر (یا شترانی) را به عنوان زکات اخذ کند. ^۱ تنها نتیجه‌ای که از این توصیه‌ی رسول اکرم می‌توان گرفت آن است که ایشان خسته است پرداخت زکات برای مردم آسان‌تر گردد زیرا بالاخره وقتی یک شخص مقادیر فراوانی را از یک چیز داراست برای او بسیار آسان خواهد بود که اندکی از همان را به عنوان زکات بدهد. اکنون اگر موقعیت پیش آید که مردم به پرداخت قیمت مالی که به عنوان زکات تعیین گردیده خرسندتر باشند و این امر را از آن آید بدون تردید اسلام این اجازه را به آنها خواهد داد زیرا با این اقدام نه تنها زکات‌دهندگان مورد لطف قرار گرفته‌اند بلکه چه بسا این کار برای آنانکه در ورای مسأله وجود دارند (مثل کارگزاران و زکات‌بگیران) نیز سودمندتر افتد.

۱. «خذ الحب من الحب و الشاة من الغنم و البعير من الابل». (ابوداود، کتاب الزکاة (۱۵۹۹) به نقل از معاذ و ابن ماجه، کتاب الزکاة (۱۸۱۴) و دار قطنی، کتاب الزکاة (۲ / ۹۹) و السنن الکبری، بیهقی (۴ / ۱۱۲) (ش ۷۱۶۳). حاکم نیز این حدیث را در «المستدرک» آورده و گفته است: اسناد این حدیث بنا بر شرط شیخین صحیح است؛ در صورتی که استماع عطاء بن یسار از معاذبن جبل صورت پذیرفته باشد هر چند اینجانب (حاکم) آن را تأیید نمی‌کنم. آلبانی در ضعیف ابی داود (۳۴۶) این حدیث را متذکر شده است. (آلبانی می‌گوید: عطاء در سال ۱۹ هجری متولد شده و معاذ رضی الله عنه را در نیافته است چون معاذ در سال ۱۸ هجری در طاعون عمواس فوت کرد. ذهبی نیز گفته است: عطاء معاذ را ملاقات نکرده است. (نک: سلسلة الضعیفه (۳۵۴۴). (مترجم)

بر همین اساس معاذین جبل در یمن اعلان کرد که: (ای اهالی یمن!) شما می‌توانید معادل آن مقدار از جو و ذرتی که به‌عنوان زکات به مال شما تعلق گرفته (لباسهای خاص یمنی با نام) خمیس^۱ یا لیس^۲ به من بدهید زیرا هم این اقدام برای شما آسان‌تر است و هم مهاجرین مدینه از این کار بهره بیشتری می‌برند.^۳

معاذ رضی الله عنه از عالم‌ترین صحابه نسبت به حلال و حرام بود اما از آنجا که وی نیز توجه به مصالح و رعایت مقاصد شرعی را معتبر می‌دانست همانگونه که در حدیث مذکور بدان اشاره کردیم ایشان در یمن اقدام نمود که معادل دانه‌ها (غلات)، لباسها یا پارچه‌هایی یمنی را به‌عنوان زکات بدو دهند. بدین ترتیب هدف معاذ رضی الله عنه از این اقدام مخالفت با حدیث نبوی نبود بلکه او هدف اصلی حدیث را دریافته بود و بدون اینکه حدود مقرر شده در حدیث را زیر پا گذارد به اجتهاد پرداخته بود. وی پس از قرآن و حدیث اجتهاد خویش را در مرتبه‌ی سوم قرار می‌داد و بر همین اساس علمای اصولی نیز مقرر کرده‌اند که در اجتهاد شرایطی که هر مجتهد بایستی دارا باشد این است که عالم به خاستگاه احکام دینی بوده و یا به حدیث شرعی و مصالح مردمی در هر دوره آشنایی داشته باشد.^۴

به راستی! باید این را در نظر داشت که بسیاری از کسانی که دانش فراوان کسب نموده و به لوازمی از اجتهاد نایل آمده‌اند اما هنوز به گونه‌ی انتهایی و عزلت خویش محبوس‌اند و با مصالح و مفاسد اجتماعی و آنچه در اندیشه‌ها و افکار می‌گرد آشنایی ندارند. چنین افرادی که نسبت به زندگی اطراف خود و نزاعها و جریانهایی که ماحول آن‌ها را تشکیل می‌افتد هیچ اطلاعاتی ندارند، صلاحیت اجتهاد و فتوادادن پیرامون احکام شرعی را نیز نخواهند داشت (زیرا توجه به مصالح مردمی متناسب هر دوران از لوازم اجتهاد است). توجه به مصالح و مقاصد کلی نسبت ما را بر آن می‌دارد که فتوای بسیاری از اصحاب گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر اینکه «به زکات زنی که زن از آن استفاده می‌کنند زکات تعلق نمی‌گیرد» را بر سایر فتاوایی که پیرامون این مسأله مقرر کرده ترجیح دهیم. اصحاب رضی الله عنهم پی بردند مقصد و فلسفه‌ی زکات آن است که به اموالی تعلق گیرد که ترتیب رشد و تکثیر دارد و یا در اصل دارای این ویژگی است که زیاد می‌گردد. بدین ترتیب زکات، انگیزه برای زنان تکثیرشده و یا زایدی اصل مال اخذ می‌گردد تا اصل سرمایه که منبع اصلی درآمد مالک است به دست نیوی او باقی بماند. استفاده از زیورآلات را خداوند برای زنان مباح گردانیده و بدون شک این زیورآلات را می‌توانستیم (یعنی نماء پیدا نمی‌کند). بدین ترتیب پی می‌بریم که جواهرآلات و اسباب زینتی که زنان بر آن استفاده می‌کنند حکم همان لباسهای زینتی و اساسیه‌ی منزل و مانند آن را دارد که نباید بدان زکات تعلق گیرد.

۱. این واژه به صورت «خمیس» نیز آمده و در شرح بخاری آمده است خمیس به لباسی گفته می‌شد که ۱۵ ذراع طول داشته است. برخی گویند وجه تسمیه‌ی این لباس (یمنی) آن بوده که پادشاهی یمنی به نام «الخمیس» دستور ساخت آن را داده است (مترجم).

۲. لیس نیز به پوشیدنی اطلاق می‌شود و خود نوعی لباس یمنی بود.

۳. نک: مبحث چگونگی ادای زکات، قسمت «سنجش قیمت».

همان عدلی که شریعت مقدس الهی بر آن مبتنی گشته ما را بر آن می‌دارد که قول صحابی جلیل‌القدر رسول خدا ﷺ، عطاء بن ابی‌ریاح را ترجیح دهیم. ایشان فتوا داده که قبل از تعیین میزان زکات در محصولات زراعی، بایستی مخارجی که آن محصول برای مالک در برداشته سنجیده شود و آنگاه ضمن استثناکردن مخارج از جمله‌ی محصول، در باقیمانده‌ی آن زکات تعیین گردد. براساس همین عدل و جهت تحقق آن نگارنده (مؤلف) معتقد است: کسی که زمینی را به اجاره گرفته تا در آن به زراعت بپردازد بایستی ابتدا مخارج خویش را در به‌عمل آوردن محصولات زراعی و همچنین اجاره‌ی زمین بسنجد و آنگاه ضمن برداشت معادل این مخارج از محصولات، در باقیمانده‌ی آن حکم زکات را اجرا نماید. مالک این زمین استیجاری نیز بایستی عشر یا نصف عشر آن را از میزان اجرتی که از مستأجر اخذ کند بعنوان زکات پرداخت نماید زیرا در واقع وی این دستمزد را در قبال آن دریافت می‌دارد که اگر خود در زمین زراعت می‌کرد به محصولی معادل این اجرت (مزد) نایل می‌آمد.

سبک و اسلوب نگارش:

هدف ما در نگارش این تحقیق (کتاب) آن بوده که نهایت دقت، توأم با سهولت در آن صورت بگیرد و سعی کرده‌ایم از کاربرد عبارات سنگین و سنگینی که احياناً مقتضی مباحث (تخصصی) علمی است اجتناب کنیم. در نقل قول از عمادالایم نیز تلاش کرده‌ایم از شیواترین عبارات و واضح‌ترین متون استفاده کنیم و گاه الزاماً در این نقل قول‌ها به تصرفاتی اندک نیز زده‌ایم که البته به هیچ‌وجه این تصرفات خللی در مفهوم و معنای آن وارد نکرده است.

بهترین سبک در تحقیق آن است که دقت توأم با وضوح و شفافیت باشد و ما نهایت تلاش خویش را در این راستا مبذول داشته‌ایم و امیدواریم که بدین هدف رسیده‌ایم. حداقل بدان نزدیک شده باشیم. بیش از ۶ سال جهت گردآوری و نگارش تحقیق (کتاب) موردنظر همت گماردم تا اینکه سرانجام بتوانم با تدوین آن به مدرک تحصیلی (دکترای) نایل آیم. در این موانعی نیز مواجه گشتم که البته خیر در همان بود که خداوند متعال مقدر کرده بود. بالاخره مدتهاست تحقیق فراروی من بود و به تجدیدنظر و ویرایش و پیرایش متنی و مفهومی آن مشغول بودم تا اینکه سرانجام موفق شدم کتابی به این شکل (که موردنظر شما خواننده‌ی گرامی است) را تدوین نمایم.

بدان امید که منتقدین مخلص ما را از انتقادات سازنده‌ی خویش محروم نسازند و این تحقیق مورد قبول و توجه پژوهشگران و محققین منصف قرار گیرد.

در هر حال ما نهایت سعی خویش را مبذول داشته و در جهت تبیین و موشکافی این فریضه‌ی مهم الهی (زکات) از هیچ تلاشی فروگذار نشده‌ایم. ما در این تحقیق تلاش کرده‌ایم ضمن تبیین

اهداف و آثار و رازهای نهفته در زکات، پرده از عدالت محوری احکام آن نیز برداریم تا شاید مسلمانان پس از غیبتی طولانی و بیگانه شدن با این فریضه‌ی خداوندی بدان بازگردند و ضمن تصحیح بینش اسلامی خود نسبت بدان، این حکم الهی را جزوی بنیادین از نظام مالی و اجتماعی اسلام تلقی کنند. مسلمانان با چنین اقدامی خداوندگار خویش را از خود راضی خواهند نمود و با تمسک به این فریضه‌ی خداوندی نه تنها جوانان خویش را از ورطه‌ی اندیشه‌های انحرافی و اصول مخرب رهایی خواهند بخشید بلکه بسیاری از مشکلات جامعه‌ی خویش را برطرف خواهند نمود.

اگر هدف ما از نگارش این تحقیق (کتاب) متحقق گردیده باشد پس هر آینه خداوندگار را سپاس خواهیم که سرچشمه‌ی هر فضل و احسانی است و اوست که در همت افراد برکت عنایت می‌کند و یا تلاش آن‌ها را به نتیجه منتهی می‌گرداند. البته اگر هم در این زمینه به نتیجه‌ی لازم نرسیده باشیم، همین کار را بسوی ما به نهایت جهد خویش مبذول داشته و از هیچ تلاشی فروگذار نشده‌ایم و امیدواریم که خداوند قادر مطلق اطراف همتی که به خرج داده‌ایم ما را از اجر و پاداش آن محروم نسازد. بی‌تردید هر تلاشگری به همراهی خداوند است و نتیجه‌ی هر کار به نیت فرد بستگی دارد و ما جز جهت رضای خداوند بدین مهم پرداخته‌ایم.

تمام توفیقات ما مرهون عنایت خداوندی است که بدو توکل می‌کنیم و بازگشت ما به سوی اوست.

جمادی‌الاول ۱۳۸۹ هـ

دوحه

یوسف قرضاوی

یونیو (تموز) ۱۹۶۹ م.